

Journal of Islamic Law Research

پژوهش‌نامه حقوق اسلامی

Mechanism for Protecting Developing Ideas
as an Intellectual Asset in Iranian Law:
Foundations and Methods

Authors: Mohammad Nezamolmolki | Jafar Nezamolmolki

Stable URL: <https://doi.org/10.30497/law.2026.249580.3946>

سازوکار حمایت از ایده در حال توسعه به مثابه مال فکری در حقوق ایران:
مبانی و روش‌ها

نویسندگان: محمد نظام‌الملکی | جعفر نظام‌الملکی

پیوند دائمی: <https://doi.org/10.30497/law.2026.249580.3946>



Copyright 2026 The Author(s).

Published by *Imam Sadiq University*, Tehran, Iran.

This work is fully Open Access under the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) license, allowing non-commercial use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original published work is properly cited. *Islamic Law Research* strictly follows the ethical guidelines of the Committee on Publication Ethics (COPE), which all readers, authors, peer reviewers, and editors are expected to closely observe and uphold.

Mechanism for Protecting Developing Ideas as an Intellectual Asset in Iranian Law: Foundations and Methods

Mohammad Nezamolmolki • LLM in Intellectual Property Law, Faculty of Law, University of
Qom, Qom, Iran. (Corresponding Author) mohammadnezamolmolki@gmail.com

Jafar Nezamolmolki • PhD in Private Law, Faculty of Law, University of Qom, Qom, Iran.
jafarnezamolmolki@gmail.com

Abstract

Context & Objective: In the knowledge-based economy, a developing idea represents a highly vulnerable intellectual asset positioned midway between a mere abstract concept and a fully realized, registrable innovation. While it serves as the critical foundation for technological and commercial advancement, the traditional intellectual property system operates on the fundamental principle of the non-protection of ideas, thereby excluding these intermediate assets from exclusive legal rights. This regulatory void disproportionately affects sectors requiring extensive research and development periods, exposing inventors to the risk of misappropriation prior to commercialization and consequently stifling the incentive to innovate. The primary objective of this research is to critically evaluate and challenge the traditional theoretical foundations that deny legal protection to developing ideas. Furthermore, it seeks to explore how a tailored protection mechanism for this specific legal entity can be justified and implemented within the Iranian legal system. This research addresses the economic and strategic necessity of protection and poses the central question of whether existing legal frameworks can adequately safeguard these assets or if a novel, exceptional legal regime is required to foster a secure environment for early-stage innovations.

Method & Approach: The research strictly employs a doctrinal methodology combined with a critical analytical approach. It systematically evaluates existing legal literature, statutory provisions, and jurisprudential principles to deconstruct the traditional paradigms of intellectual property law.



Findings: The analysis demonstrates that a developing idea fundamentally differs from a mere abstract thought; it is defined by three distinct elements: it is innovative and potentially valuable, it remains in the formative stage and thus falls outside existing legal protections, and it possesses concrete applied and commercial potential resulting from significant preliminary investment. Traditional justifications for non-protection, such as the public interest argument and restrictive interpretations of Islamic jurisprudence, are systematically refuted. Specifically, doctrines like *ḥurmat kitmān al-ʿilm* (the religious prohibition against concealing essential knowledge) and the obligation to disseminate learning apply primarily to religious or vital public knowledge, not to commercially driven developing ideas. Furthermore, the application of Locke's labor theory supports protection, as these ideas are the direct product of substantial intellectual effort. Consequently, the developing idea aligns perfectly with the five fundamental characteristics of an intellectual asset: it holds potential economic value, is non-material, originates from mental effort, exhibits originality, and possesses sensory perceivability through preliminary documentation or prototyping. Despite this compatibility, an assessment of current Iranian legal frameworks reveals profound inadequacies. The trade secrets model structurally conflicts with the developing idea's inherent need for information exchange and collaborative testing, prioritizing absolute secrecy over developmental sharing. Similarly, the unfair competition model proves practically ineffective due to the heavy evidentiary burden required to establish subjective fault, negligence, and direct causation in cases of misappropriation.

Conclusion: To ensure the continuous flow of innovation and mitigate the risks associated with early-stage disclosure, it is vital to establish an exceptional and conditional legal mechanism for the protection of developing ideas. Rather than creating a wholly distinct legal entity, this mechanism should be integrated as a specialized subset within existing intellectual property frameworks. The protection granted must be strictly temporary, bridging the gap only until the innovation achieves full registrability. Furthermore, the allocation of rights must be highly specific: the innovator should retain absolute moral rights, while material rights must be limited to negative rights – specifically the legal capacity to prevent unauthorized third-party exploitation – and the granting of priority rights for future registration. Finally, to ensure efficiency and technical accuracy, the evaluation and verification of these developing ideas should be delegated to specialized intellectual property offices or academic technology parks, explicitly removing the initial assessment burden from general courts to prevent systemic legal delays.

Keywords: Developing Ideas, Trade Secrets, Unfair Competition, Intellectual Assets.

سازوکار حمایت از ایده در حال توسعه به مثابه مال فکری در حقوق ایران: مبانی و روش‌ها

محمد نظام‌الملکی • دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق مالکیت فکری، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران.

mohammadnezamolmolki@gmail.com

(نویسنده مسئول)

جعفر نظام‌الملکی • دانش‌آموخته دکتری حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران.

jafarnezamolmolki@gmail.com

چکیده

در اقتصاد دانش‌بنیان، ایده در حال توسعه به عنوان یک دارایی فکری آسیب‌پذیر، حد فاصل میان ایده صرف و نوآوری نهایی، نیازمند حمایت است؛ حال آنکه نظام سنتی مالکیت فکری بر اساس اصل «عدم حمایت از ایده»، مانع این حمایت شده و انگیزه نوآوری را تضعیف می‌کند. این پژوهش به شیوه تحلیلی انتقادی و با هدف نقد این مبانی سنتی و اثبات قابلیت حمایت از این نهاد متمایز، ابتدا ماهیت ایده در حال توسعه را بر اساس مؤلفه‌های نوآورانه، بالقوه ارزشمند و دارای پتانسیل تجاری تبیین می‌کند و سپس، ضمن به چالش کشیدن مبانی سنتی عدم حمایت، نشان می‌دهد که ایده در حال توسعه با ویژگی‌های مال فکری انطباق دارد. با این وجود، ارزیابی مدل‌های حمایتی موجود در حقوق ایران، از جمله اسرار تجاری و رقابت غیرمنصفانه، حاکی از آن است که این مدل‌ها به دلیل تعارض ساختاری (نیاز به تبادل در برابر محرمانگی) و دشواری اثبات تقصیر، برای حمایت از این ایده ناکارآمد هستند. بر این اساس، پژوهش حاضر استدلال می‌نماید که برای تضمین جریان نوآوری، تدوین یک سازوکار حمایت استثنایی و مشروط حیاتی است؛ این سازوکار باید در قالب‌های موجود مالکیت فکری، با اعطای حمایت موقت و حقوق خاص (شامل حقوق معنوی کامل و حقوق مادی سلبی)، متناسب با ماهیت بینابینی ایده در حال توسعه، اجرا شود.

واژگان کلیدی: ایده در حال توسعه، اسرار تجاری، رقابت غیرمنصفانه، اموال فکری.



مقدمه

در اقتصاد دانش‌بنیان، نوآوری و خلاقیت به مهم‌ترین مؤلفه‌های مزیت رقابتی و توسعه اقتصادی تبدیل شده‌اند. در این بستر، ایده در حال توسعه به عنوان یک مفهوم با ارزشی بالقوه، حد فاصل میان مفهوم انتزاعی و غیرقابل حمایت ایده صرف و مصادیق عینی و ثبت‌شده اموال فکری قرار می‌گیرد. این ایده که حاصل سرمایه‌گذاری فکری و مالی قابل توجه در مراحل اولیه است، در آسیب‌پذیرترین نقطه فرایند نوآوری قرار دارد. با این حال، نظام‌های حقوق مالکیت فکری عموماً بر اساس اصل بنیادین «عدم حمایت از ایده»، از اعطای حقوق انحصاری به این نهاد در مراحل اولیه خودداری می‌کنند؛ اصلی که قدمت آن به مبانی سنتی حقوق کپی‌رایت و اختراعات بازمی‌گردد و طرف‌داران حقوق مالکیت فکری نیز آن را به رسمیت می‌شناسند (Vaver, 1990, pp. 99-100). افزون‌براین، مقررات بین‌المللی نه تنها ایده را در زمره آثار مورد حمایت برنشموده‌اند، بلکه حتی بسیاری از مقررات بین‌المللی راجع به حقوق مالکیت فکری، به عدم حمایت از ایده تصریح دارند (میرشمسی و همکاران، ۱۳۹۳، ص. ۷۲).

این رویکرد سنتی که ریشه در مبانی فلسفی و تاریخی حقوق مالکیت فکری دارد، در مواجهه با ماهیت پیچیده و زمان‌بر نوآوری‌های معاصر دچار عدم انطباق شده است. برای مثال، در حوزه زیست‌فناوری، فاصله زمانی میان کشف یک ترکیب اولیه تا رسیدن به محصول نهایی، سال‌ها به طول می‌انجامد در حالی که ساختار فعلی حقوق مالکیت فکری، تا پیش از تحقق نهایی، چتر حمایتی خود را بر سر این دارایی نمی‌گستراند. همچنین، اصرار بر معیار «عینیت و تحقق نهایی» به عنوان شرط حمایت، نیازهای تجاری مربوط به مراحل اولیه توسعه را نادیده می‌گیرد. این خلأ حمایتی در پلتفرم‌های دیجیتال نوظهور یا مدل‌های کسب‌وکار مبتنی بر هوش مصنوعی که هنوز به مرحله اجرا نرسیده‌اند، ریسک سرقت ایده‌های کلیدی توسط رقبای قدرتمند را در مراحل میانی نوآوری و تجاری‌سازی آن افزایش می‌دهد. حتی در صنایع خلاق و هنری، فقدان حمایت از «ساختار مفهومی» یک پروژه چندرسانه‌ای پیش از تولید نهایی می‌تواند منجر به تصاحب غیرقانونی ایده‌های نوآورانه پدیدآورنده شود. چنین وضعیتی، انگیزه‌های لازم برای سرمایه‌گذاری خطرپذیر و تکمیل ایده را تضعیف می‌کند و در نهایت، با ایجاد هراس از افشای زود هنگام، جریان نوآوری را کند می‌سازد. بنابراین، نقد وضعیت موجود و طراحی یک سازوکار حقوقی که بتواند حمایت را با الزامات اقتصادی و راهبردی فرایند نوآوری همسو سازد، به یک ضرورت پژوهشی

تبدیل شده است.

پرسش محوری این است که با توجه به ماهیت متمایز ایده در حال توسعه (به مثابه یک مال فکری) و ضرورت‌های اقتصادی و راهبردی در حوزه نوآوری، سازوکار حمایت از این نهاد حقوقی در نظام حقوقی ایران چگونه قابل توجیه و پیاده‌سازی است؟ به عبارت ساده‌تر، رسالت نگارنده در مقاله حاضر، ارزیابی نقادانه مدل‌های حمایتی موجود و امکان‌سنجی طراحی یک چهارچوب حمایتی نوین و استثنایی برای ایده در حال توسعه در حقوق ایران است.

برای تحقق این هدف، پژوهش حاضر ابتدا به تحلیل مفهوم، ماهیت و عناصر تشکیل‌دهنده ایده در حال توسعه می‌پردازد تا تمایز آن با ایده صرف مشخص شود. سپس مبانی سنتی عدم حمایت به صورت نقادانه ارزیابی و قابلیت حمایت از ایده در حال توسعه به مثابه مال فکری اثبات می‌شود. در نهایت، با ارزیابی کارایی مدل‌های حمایتی عام در حقوق ایران، ضرورت اتخاذ یک رویکرد حمایت استثنایی با معیارهای خاص تبیین خواهد شد.

۱. تحلیل مفهوم و ماهیت ایده در حال توسعه

۱.۱. مفهوم‌شناسی ایده در حال توسعه

از منظر لغوی، واژه «ایده» ریشه در کلمه یونانی «ایدین»^۱ به معنای «صورت» یا «طرح» دارد (ساندرز، ۱۴۰۱، ص. ۱۷). در لغت فارسی، ایده به معنای اندیشه، فکر، خیال، تصور، رأی، عقیده، نیت، سلیقه ادبی و صنعتی است (عمید، ۱۳۶۳). در فرهنگ آکسفورد نیز ایده در معانی متعدد شامل یک طرح، فکر یا پیشنهاد خصوصاً درباره اینکه در یک وضعیت خاص چه کاری باید انجام شود، تصویر ذهنی از چیزی یا کسی، عقیده یا باور درباره یک موضوع، احساس امکان یا واقعیت چیزی و هدف یا مقصود شناسایی شده است.^۲

چنین تنوع و به تبع، ابهامی در معانی واژه ایده کاملاً مشهود است. نکته مهم این است که ایده نه تنها به عنوان اندیشه و فکر اولیه، بلکه به عنوان تجسم و تحقق آن فکر در قالب یک مفهوم قابل استفاده نیز است. بنابراین، می‌توان ایده را به عنوان مفهومی ذهنی تعریف کرد که از فکر و اندیشه

1. Idien

2. www.oxfordlearnersdictionaries.com/definition/english.

نشئت می‌گیرد و می‌تواند شامل تصورات، طرح‌ها و راه‌حل‌های مختلف باشد و مبنای خلق آثار و نوآوری‌های مختلف قرار گیرد.

ابهام فوق به مفهوم اصطلاحی ایده نیز سرایت می‌یابد؛ تا حدی که قانون کپی‌رایت آمریکا نیز با وجود وضع جامع و مفصل در حقوق مالکیت فکری، نتوانسته است تعریف و تمایز دقیق و مؤثری از ایده ارائه دهد. در نتیجه، قضات آمریکایی ممکن است از این ابهام برای دستیابی به نتیجه دلخواه در پرونده‌ها استفاده کنند (Standler, 2009, p. 35).

علاوه بر این، در دکتترین حقوقی نیز، گاه ایده را به معنای یک اندیشه و عاری از قالب مادی دانسته‌اند که مفهومی معرفت‌شناختی نداشته و در صورت حمایت از آن، جریان نوآوری را دچار مشکل کرده و سبب تحمیل هزینه فراوان می‌شود (شیخی، ۱۳۹۴، ص. ۷۸). گاه نیز آن را یک مفهوم جدید یا قدیم، عینی یا ذهنی که می‌تواند شامل تصورات، افکار، طرح‌ها یا حل مسئله باشد و از ساده‌ترین شکل مانند یک فکر گذرا تا پیچیده‌ترین نظریه‌های علمی را شامل شود (Boden, 2004, p. 2)، دانسته‌اند. در نهایت، ایده را به معنای پلی بین یافته‌ها و ناشناخته‌ها می‌دانند که نوآوری با اقتباس از ایده‌های جدید محقق می‌شود (Goorha & Potts, 2019, p. 27).

به‌طور کلی می‌توان گفت ایده یک تفکر یا تصور ذهنی است که می‌تواند به‌طور کامل جدید و اصیل باشد یا بر اساس تجربیات یا دانش موجود شکل بگیرد، می‌تواند شفاف یا مبهم، ساده یا پیچیده باشد، می‌تواند حاصل ذوق ادبی یا ابتکار آنی علمی باشد. ایده می‌تواند در طول زمان تکامل یابد. ایده‌ها محرک نوآوری و خلاقیت‌اند و برای پیشرفت بشری ضروری به شمار می‌آیند. چنانچه بر این مفهوم قید در حال توسعه را بیفزاییم، آن را به مفهومی کارآمد و کاربردی مبدل کرده‌ایم تا حدی که می‌توان قابلیت حمایت از آن را ارزیابی کرد. قید در حال توسعه مبین سه عنصر اساسی برای ایده است که آن را در قامت مفهومی نوآورانه و بالقوه ارزشمند و دارای پتانسیل کاربردی و تجاری درمی‌آورد که البته در حال شکل‌گیری است و در هیچ‌یک از قالب‌های حقوقی موجود مورد حمایت نیست. نه بدان معنا که حمایت نفی شود، بلکه به معنای تمسک به یک قالب مکمل حقوقی در این زمینه. این چنین در تعریف ایده در حال توسعه باید گفت که مفهومی نوآورانه و بالقوه ارزشمند که در مراحل اولیه شکل‌گیری و تکامل قرار دارد و هنوز به مرحله اختراع یا هرگونه اثر قابل حمایت دیگر به موجب قوانین موجود مالکیت فکری نرسیده است. این نوع ایده دارای پتانسیل کاربردی و تجاری بوده که حاصل صرف زمان، دانش و تلاش شخص ایده‌پرداز

است و قابلیت تبدیل شدن به یک اثر، محصول، خدمت یا فرایند نهایی را دارد.

۲.۱. ماهیت ایده در حال توسعه

بدیهی است که ایده در حال توسعه مفهومی بسیط نیست، بلکه تعبیری هدفمند با معنایی خاص است. به شرحی که از تعریف ارائه شده در فوق مشهود است، ایده در حال توسعه ماهیتاً متشکل از سه عنصر اساسی مفهومی نوآورانه و بالقوه ارزشمند، در حال شکل‌گیری و غیرقابل حمایت در قالب‌های حقوقی موجود و دارای پتانسیل کاربردی و تجاری است. هریک از این عناصر فراتر از وصف عرضی است و اجزای ذاتی ماهیت آن را شامل می‌شود؛ به گونه‌ای که ماهیت متمایز آن را از صرف ایده نیز آشکار کند. در زیر به تحلیل عناصر مذکور می‌پردازیم.

۱.۲.۱. مفهومی نوآورانه و بالقوه ارزشمند

نباید پنداشت که ایده در حال توسعه در محدوده کلی و غیرعینی ایده باقی مانده است، بلکه تأکید بر نوآورانه بودن، این مفهوم را از ایده‌های صرف متمایز می‌سازد. به این معنا که این ایده حاوی عنصری از تازگی و ابتکار است و صرفاً بازتکرار وقایع یا اندیشه‌های کلی موجود محسوب نمی‌شود (میرشمسی و همکاران، ۱۳۹۳، ص. ۸۹).

همچنین، باید توجه کرد قید بالقوه ارزشمند بودن، متضمن این اثر تمایزبخش است که ایده مورد نظر، پتانسیل ایجاد ارزش به مثابه یک مزیت مستقیم و در دسترس را داراست. این ارزش می‌تواند ابعاد مختلفی نظیر ارزش اقتصادی (مانند ایجاد کسب‌وکار جدید و افزایش بهره‌وری)، ارزش اجتماعی (مانند حل یک مشکل اجتماعی و بهبود کیفیت زندگی) یا ارزش فرهنگی (مانند خلق یک اثر هنری بدیع و ارتقای دانش بشری) و... داشته باشد.

۲.۲.۱. در حال شکل‌گیری و غیرقابل حمایت در قالب‌های حقوقی موجود

این مؤلفه، جایگاه ماهوی ایده در حال توسعه را در طیف اموال فکری مشخص می‌سازد. ایده در حال توسعه در قلمرو معنایی بینابینی میان ایده صرف (که فاقد عینیت و حمایت حقوقی است) و مصادیق متعارف اموال فکری (نظیر اختراع ثبت شده یا اثر ادبی بیان شده) قرار می‌گیرد. ایده در حال توسعه هنوز به طور کامل واجد شرایط قانونی حمایت از اموال فکری نشده، اما عنصر نوآوری در آن بروز و عینیت یافته است. به عبارت دیگر، از مرحله انتزاع محض خارج شده، ولی

هنوز به سطح تجاری‌سازی نهایی به مثابه ابزاری برای انتقال تجاری ایده‌ها به محصول، خدمت و فرایند جدید قابل عرضه در بازار به واسطه‌گیرندگان دانش (ایروانی مهاجری، ۱۴۰۰، ص. ۱۸) نرسیده است. برای مثال، در فرایند توسعه یک راه‌حل فناورانه برای لایروبی سدهای ایران، ایده‌پرداز ممکن است سرمایه‌گذاری قابل توجهی در تحقیق و توسعه و نمونه‌سازی اولیه انجام داده باشد. در این مرحله، محصول هنوز به بازدهی در سطح تولید انبوه یا تجاری‌سازی نرسیده است، اما صرفاً با اعمال تغییرات جزئی در مقیاس یا فرمولاسیون، قابلیت احراز شرایط ثبت اختراع را خواهد داشت. این وضعیت در شرف حمایت بودن، ضرورت تفکیک ایده در حال توسعه از ایده صرف را توجیه می‌کند.

۳.۲.۱. دارای پتانسیل کاربردی و تجاری

این ویژگی بر جنبه عملی و واقع‌بینانه ایده در حال توسعه تأکید دارد. این نوع ایده صرفاً یک مفهوم نظری یا انتزاعی نیست، بلکه واجد پتانسیل تبدیل شدن به یک واقعیت ملموس و قابل بهره‌برداری است که می‌تواند در قالب یک محصول جدید، خدمت نوآورانه یا فرایند صنعتی بهبود یافته تجلی یابد. این مرحله مستلزم سرمایه‌گذاری قابل توجهی از سوی ایده‌پرداز است که شامل صرف زمان، به‌کارگیری دانش تخصصی، تحقیقات مقدماتی و تخصیص منابع مالی است. این «تلاش ملموس»، مبنای توجیه حمایت اقتصادی از این ایده‌ها را تقویت می‌کند؛ زیرا نشان‌دهنده تعهد پدیدآورنده به توسعه دارایی فکری است.

آسیب‌پذیری این مرحله، ضرورت طراحی سازوکارهای حمایتی را برجسته می‌سازد. برای مثال، در مورد ایده حل مشکل لایروبی سدهای ایران، افشای اطلاعات در حال توسعه به یک رقیب تجاری می‌تواند به تضییع فرصت اقتصادی منجر شود. در چنین حالتی، رقیب می‌تواند با سرعت بیشتر و بدون تحمل هزینه‌های اولیه تحقیق و توسعه، ایده را به محصول نهایی تبدیل و عرضه کند. در حالی که مبتکر اصلی از ثمره تلاش خود محروم می‌ماند (Lemley, 2008, p. 336). این خطر بالقوه و آسیب‌پذیری ماهوی ایده در حال توسعه ایجاب می‌کند که سازوکارهای حمایتی تدوین شده، از قالب‌های سنتی حقوق مالکیت فکری متمایز و با ویژگی بینابینی این نهاد سازگاری داشته باشد.

۲. جستاری بر قابلیت حمایت از ایده در حال توسعه در نظام حقوق مالکیت فکری

۱.۲. نظریه عدم حمایت از ایده در حال توسعه

در رویکرد سنتی و شایع در نظام حقوق مالکیت فکری، نوآوری آنجا مورد حمایت واقع می‌شود که عینیت و تکامل یابد؛ چنان‌که در حوزه آثار ادبی و هنری، شرط بیان، شرطی بنیادین در حمایت از این آثار در نظام‌های حقوقی مختلف است (Standler, 2009, pp. 62-65). این تلقی با لحاظ ویژگی‌های مورد نظر در تکامل یک نوآوری، دیدگاهی مطلق را موجب شده که در آن، مرز میان حمایت و عدم حمایت قاطع بوده و روند تدریجی تحول و تکامل نوآوری مغفول مانده است. در بستر این نظریه، ایده در حال توسعه نیز فاقد قابلیت حمایت است و مادامی‌که به یک نوآوری نهایی مبدل نشود، داخل در قلمرو عام مفهوم ایده و در نتیجه، خارج از شمول نظام حمایتی انگاشته می‌شود. این همه در حالی است که حتی فرضیه عدم حمایت از ایده در حال توسعه در نظام حقوقی ایران، باید با طرح مبانی حقوقی و فقهی قابل تأمل مطرح شود نه صرفاً بازتکرار اندیشه سنتی حاکم در این زمینه. نگارنده در زیر، با طرح مبانی حقوقی و فقهی مرتبط و البته با تقویت مبانی سنتی و در بیانی منسجم‌تر، در نهایت، تلاش می‌کند تا قابلیت اثباتی آن‌ها در تلقی اندیشه عدم حمایت از ایده را ارزیابی کند.

۱.۱.۲. تعارض با منافع عمومی

منفعت عمومی مفهومی است که به اقدامات، سیاست‌ها یا تصمیماتی اشاره دارد که تمایل به افزایش رضایتمندی و رفاه در جامعه دارند (Benditt, 1973, pp. 294-295). این مفهوم دارای ابعاد اخلاقی، اجتماعی و اقتصادی است که در طول تاریخ تکامل یافته و در حوزه‌های مختلف از جمله قوانین مالکیت فکری نمود پیدا کرده است. در بررسی تاریخی این مفهوم، دو نگرش اصلی قابل تشخیص است.

دیدگاه بن‌تام که منفعت عمومی را مجموع منافع افراد تشکیل‌دهنده جامعه می‌داند و معتقد است یک اقدام زمانی در راستای منفعت عمومی است که بیش از هر چیز همسو با تحقق هدف رضایتمندی در جامعه باشد (Bentham, 1960, p. 126). از سوی دیگر، روسو منفعت عمومی را شامل منافع خصوصی مشترک در قلمرو جهانی می‌داند و معتقد است اقدامی را می‌توان در راستای منفعت عمومی دانست که موضوع، خواست و اراده عمومی باشد (Rousseau, 1967, p. 27).

در این راستا، در حوزه حقوق مالکیت فکری، منفعت عمومی ایجاب می‌کند که تعادلی بین تشویق نوآوری (از طریق اعطای حقوق انحصاری موقت به پدیدآورندگان) و تضمین دسترسی عمومی به دانش و فناوری برقرار شود. نهادهای تعدیل‌کننده‌ای مانند مجوزهای اجباری در حقوق مالکیت صنعتی و استثنائات حمایتی در نظام کی‌رایت، ریشه در همین مفهوم بنیادین منفعت عمومی دارند.

همچنین، به‌طور سنتی، ایده در نظام حقوق مالکیت فکری فاقد ویژگی «انحصاری» است و از حقوق مادی و معنوی برخوردار نمی‌شود. این عدم انحصاری بودن ایده، بر مفاهیمی مانند حق دسترسی عمومی به اطلاعات، حق آموزش و حق آزادی بیان استوار است. ایده‌ها به‌عنوان ابزارهای اساسی برای پیشرفت و نوآوری، باید در دسترس همگان باشند تا به شکوفایی دانش و توسعه جامعه کمک کنند (محسنی و قبولی درافشان، ۱۳۹۵، ص. ۱۲۰). حقوق‌دانانی نظیر پوئییه و همفکرانش، ایده را سرمایه‌ای مشترک و ابدی برای همگان می‌دانند که استفاده از آن بر ارزشش می‌افزاید. آن‌ها معتقدند قانون تنها از آنچه مهر فردگرایی پدیدآورنده را دارد، حمایت می‌کند (Pollaud-Dulian, 2005, p. 87). حمایت از افکار صرف می‌تواند مانعی برای هرگونه پیشرفت فرهنگی یا صنعتی باشد؛ زیرا در این صورت هر گزارش علمی نیازمند اجازه دانشمندانی خواهد بود که بر اساس اندیشه‌هایشان اکتشافات صورت گرفته است (Colombet, 1976, p. 79). بر همین اساس، ایده‌های ادبی، هنری، سیاسی، علمی، تجاری و روش‌های مختلف، تحت پوشش حقوق مالکیت ادبی و هنری نیستند (Desbois, 1966, p. 23).

عدم انحصاری بودن ایده‌ها، پیامدهای مثبتی برای جامعه دارد ازجمله تسهیل جریان آزاد اطلاعات و دانش، تشویق رقابت و بهبود مستمر و درنهایت، ایجاد فرصت‌های شغلی و افزایش رفاه عمومی. ایده‌ها هرگز موضوع مالکیت نیستند (Breakey, 2010, pp. 214-215)؛ زیرا تملک آن‌ها، فرایند تکاملشان را متوقف می‌کند و برای تکمیل، به بازخورد و مشارکت جمعی نیاز دارند. بنابراین، نظام حقوق مالکیت فکری از خود ایده حمایت نمی‌کند، بلکه حقوق مادی و معنوی مشخصی را که مطابق قانون به «بیان» یا «تجسم» ایده تعلق می‌گیرد، حمایت می‌کند.

بااین‌حال، در مبانی فوق، تفکیک مهمی بین «ایده صرف» (خام، کلی و انتزاعی) و ایده در حال توسعه مغفول مانده است. ایده در حال توسعه دیگر صرفاً یک مفهوم ذهنی نیست، بلکه مفهومی نوآورانه و بالقوه ارزشمند است که در روند تکامل قرار دارد و دارای پتانسیل کاربردی و

تجاری است. این نوع ایده حد فاصل ایده در مفهوم رایج آن و یک اثر علمی یا محصول نوآورانه قرار می‌گیرد.

بنابراین، استدلال‌هایی که عدم حمایت از ایده را توجیه می‌کنند، ناظر بر ایده‌های خام و انتزاعی هستند و در مورد ایده‌های در حال توسعه با ویژگی‌های مشخص قابل اعمال نیستند. همچنین، نفی قابلیت استناد به حق دسترسی عمومی به اطلاعات و حق آموزش در مورد ایده‌های در حال توسعه باید با احتیاط صورت گیرد. این ایده‌ها به دلیل ماهیت بینابینی و آسیب‌پذیری خود، به راحتی می‌توانند مورد سوءاستفاده و سرقت علمی قرار گیرند. عدم حمایت از آن‌ها می‌تواند انگیزه نوآوران را برای سرمایه‌گذاری در مراحل اولیه کاهش دهد و در نتیجه، جامعه را از مزایای بالقوه این ایده‌ها محروم کند.

در نهایت، اصل عدم حمایت از ایده بر آزادی و دسترسی عمومی تأکید دارد، اما ایده در حال توسعه با ویژگی‌های خاص و ممتاز خود، از قلمرو این اصل خارج می‌شود و قابلیت حمایت حقوقی به عنوان مال فکری را داراست. هرگونه حمایت از این نوع ایده با توجه به ماهیت استثنایی آن، تنها در صورت احراز شرایط خاص و استثنایی می‌تواند بر اصل عام عدم حمایت از ایده، استثنا ایجاد کند.

۲.۱.۲. مبانی فقهی

نظریه عدم حمایت از ایده در حال توسعه مبتنی بر استنادات فقهی چندی است. در زیر به ارزیابی نقادانه این استنادات می‌پردازیم؛ با این قید که گسترش قلمرو این استنادات فراتر از قلمرو موضوعی و زمانی مورد نظر خود در آن‌ها می‌تواند حمایت از حقوق مالکیت فکری را به طور کلی نیز از منظر فقهی مورد چالش قرار دهد.

نخستین مبنا، حرمت کتمان علم و محدودسازی دسترسی به دانش است که با استناد به آیه ۱۵۹ سوره بقره^۱ و روایت نبوی^۲، ایده در حال توسعه را که به مرحله عینیت نرسیده و در زمره

۱. «إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا بَيَّنَّاهُ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ أُولَٰئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ اللَّاعِنُونَ»؛ آنان که دلایل و نشانه‌های هدایت را پس از آنکه آن را در کتاب برای مردم روشن ساختیم، می‌پوشانند، مورد لعنت خدا و لعنت‌کنندگان قرار می‌گیرند.

مفاهیم علمی است، مشمول نهی شرعی کتمان می‌داند. با این توجیه که کتمان به معنای مخفی کردن چیزی است که درخواست بیان آن وجود دارد (آذرنوش، ۱۳۹۱، ص. ۹۰۸؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص. ۷۰۲؛ طوسی، ۱۳۸۹ق، ص. ۴۶). در ارزیابی این قاعده باید گفت، دامنه شمول این قاعده محدود است؛ زیرا تحقق کتمان مشروط به «درخواست بیان» است و ایده درحال توسعه که محصول سرمایه‌گذاری شخصی است، تا قبل از عرضه عمومی، مصداق کتمان نیست. به علاوه، نصوص شرعی حرمت کتمان، عمدتاً متوجه علوم دینی و معارف حیاتی هستند درحالی‌که ایده درحال توسعه دارای جنبه‌های کاربردی و تجاری است و به دلیل سرمایه‌گذاری قابل توجه، دیگر صرفاً «علم» به معنای فقهی آن نیست، بلکه یک دارایی فکری با ارزش اقتصادی تلقی می‌شود.

مبنای دوم، ناظر بر عبادی بودن علم و تنافی مطالبه اجرت با ماهیت قربت الهی مطابق مدلول قاعده «عدم جواز اخذ اجرت بر واجبات» است (شبیری زنجانی، ۱۳۸۷، ص. ۵۶۴) و انحصار در تملک ایده را جایز نمی‌داند. این مبنا نیز قابل نقد است؛ زیرا ایده درحال توسعه ماهیتاً با علوم دینی و معارف عبادی که هدف اصلی قاعده فوق بوده‌اند، متفاوت است و استدلال عدم جواز اخذ اجرت، ناظر بر تعلیم احکام شرعی است نه ایده‌های نوآورانه با جنبه اقتصادی.

مبنای سوم فقهی در نفی حمایت از ایده درحال توسعه، بر قاعده وجوب بذل علم یا لزوم انتشار دانش استوار است که تعلیم و انتشار علم را به عنوان یک تکلیف شرعی و وظیفه الهی بر عهده عالمان و صاحبان علم قرار می‌دهد (امیدی فرد و پیله‌ور، ۱۳۹۶، ص. ۵۰۰). مستندات این قاعده بر سه محور اصلی استوار است. نخست، استنادات روایی صریح شامل فرمایشات حضرت علی (علیه السلام) درباره عهد الهی با عالمان برای ارائه علم و تمثیل زکات علم توسط امام جواد (علیه السلام) به آموختن آن به بندگان خدا که دلالت بر وجوب تعلیم و انتشار علم دارد (نظام الملکی و شبیری زنجانی، ۱۴۰۰، صص. ۱۷۱-۱۷۲). دوم، ملازمه حرمت کتمان علم با وجوب بذل علم؛ به طوری که این دو، جنبه‌های سلبی و اثباتی یک تکلیف واحد محسوب می‌شوند و نهی از یکی، وجوب دیگری را به همراه دارد. سوم، ملازمه لزوم تعلم با لزوم تعلیم که در قاعده رجوع جاهل به عالم تجلی می‌یابد و لزوم یادگیری برای جاهل، تکلیف عالم در پاسخ‌گویی و بذل

۲. عَنْ النَّبِيِّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ): «مَنْ سُئِلَ عَنْ عِلْمٍ ثُمَّ كَتَمَهُ الْيَوْمَ الْقِيَامَةُ يَلْجَأُ مِنْ نَارٍ»؛ هر کس دربارۀ دانشی پرسیده شود و آن را کتمان کند، روز قیامت با لگامی از آتش لگام زده می‌شود (ورام، بی تا، ج ۲، ص. ۷).

علم را نیز می‌رساند. براین اساس، این تلقی ایجاد می‌شود که حمایت از ایده در حال توسعه با قاعده وجوب بذل علم در تعارض آشکار قرار می‌گیرد؛ با این توجیه که حمایت انحصاری به معنای جلوگیری از انتشار علم و نقض تکلیف شرعی عالم در بذل آن است و همچنین، با توجه به ملازمه تعلیم و تعلم، منع از توسعه و انتشار ایده، سلب حق شرعی جاهل از دسترسی به علم و تعلم است. ارزیابی این قاعده مستلزم توجه دقیق به قلمرو موضوعی آن است. اولاً، روایات مربوط به وجوب بذل علم و زکات علم، در درجه اول ناظر بر علوم دینی و معارف شرعی هستند که انتشار آن‌ها برای هدایت جامعه و حفظ مبانی دین ضروری است و حتی در موارد بدعت که وجوب اظهار علم با صراحت بیشتری بیان شده، هدف اصلی، حفظ دین و جلوگیری از انحراف است نه ایده‌های تجاری، صنعتی یا نوآورانه با ماهیت اقتصادی (نظام الملکی و شبیری زنجانی، ۱۴۰۰، ص. ۱۷۲). ثانیاً، ایده در حال توسعه به دلیل ماهیت تخصصی، کاربردی و ناتمام خود، نمی‌تواند مصداق علمی باشد که بذل و انتشار فوری آن واجب است و حمایت از آن، نه به معنای کتمان علم، بلکه به معنای تنظیم زمان و شرایط انتشار آن است تا پدیدآورنده بتواند با اطمینان از بازگشت سرمایه و تلاش خود، آن را به کمال رساند و در نهایت، به جامعه عرضه کند. ثالثاً، ملازمه حرمت کتمان با وجوب بذل تنها در موارد ضرورت دینی و شرعی قابل اعمال است؛ جایی که مصلحت عمومی دینی بر مصلحت فردی ارجحیت دارد و تسری این ملازمه به ایده‌هایی که حاصل سرمایه‌گذاری خصوصی و دارای پتانسیل تجاری هستند، نیازمند دلیل قاطع فقهی است. رابعاً، ملازمه لزوم تعلم و تعلیم در قاعده رجوع جاهل به عالم، مربوط به احکام شرعی و مسائل دینی است و این حق به معنای دسترسی بدون قید و شرط به دارایی‌های فکری در حال توسعه دیگران نیست. در واقع، حمایت از ایده در حال توسعه، نه سلب حق جاهل از تعلم، بلکه حفظ حق عالم در بهره‌برداری از دستاوردهای تخصصی خود است که خود مقدمه‌ای برای انتشار نهایی آن علم خواهد بود. بنابراین، استناد به قاعده وجوب بذل علم، تنها در صورتی می‌تواند حمایت از ایده در حال توسعه را به چالش بکشد که این ایده دارای ماهیت معارف شرعی یا علوم عامه حیاتی باشد. در غیر این صورت ایده در حال توسعه به دلیل ماهیت بینابینی خود، از شمول عام این قاعده مستثناست و حمایت از آن، نه تنها مغایر با تکلیف الهی نیست، بلکه تضمین‌کننده تکمیل و عرضه نهایی این دارایی به نفع جامعه در آینده خواهد بود.

بنا بر توجیهات و دلایل فوق، مبانی فقهی ارائه‌شده در مورد ایده در حال توسعه با شرایط مذکور مصداق نمی‌یابد و ایده مذکور خارج از قلمرو موضوعی این مبانی است.

۳.۱.۲. نظریه کار

نظریه کار به عنوان یکی از مبانی فلسفی مالکیت، ریشه در اندیشه‌های «جان لاک» دارد. بر اساس این نظریه، مالکیت نتیجه کار و تلاش فردی بر منابع مشترک است. به این معنا که فرد با صرف کار خود، یک منبع را از حالت مالکیت عمومی خارج می‌کند و آن را به تملک خود درمی‌آورد (حکمت نیا، ۱۳۸۷، صص. ۲۰۳-۲۱۸). این نظریه که به طور سنتی برای توجیه مالکیت اموال مادی مطرح شد، بر این اساس استوار است که وقتی انسان کار خویش را با طبیعت می‌آمیزد، مالک نتیجه به دست آمده می‌شود. به تعبیر لاک، مالکیت خصوصی محصول تلاش‌های گذشته شخص است و برای همین، هر شخصی سزاوار است تا آنچه (Gordon, 1993, p. 1533) را برای تولید آن زحمت کشیده است، حفظ کند (میرشکاری، ۱۳۹۹، ص. ۳۴۲). در همین راستا، در حوزه مالکیت فکری نیز به عنوان مبنایی برای توجیه حق پدیدآورندگان آثار مورد استفاده قرار گرفته است. در این چهارچوب، ایده‌ها در ابتدا جزو منابع مشترک انسانی تلقی می‌شوند و پدیدآورنده با کار فکری خود، آن‌ها را از حوزه عمومی خارج می‌کند و به مالکیت خود درمی‌آورد. این رویکرد می‌تواند حمایت از مالکیت فکری را توجیه کند؛ مشروط بر آنکه شرایطی نظیر نوآوری، صرف تلاش فکری و ایجاد ارزش افزوده محقق شده باشد.

با این حال، تطبیق دقیق این نظریه با ماهیت ایده در حال توسعه با چالش‌هایی مواجه است. بر اساس یک استدلال، ایده‌های صرف، مفاهیم انتزاعی و کشفی هستند که پیش از ظهور در ذهن فرد به صورت بالقوه وجود داشته‌اند و پدیدآورنده صرفاً آن‌ها را کشف می‌کند نه خلق (میرشمسی و همکاران، ۱۳۹۳، ص. ۸۶). از این منظر، ایده‌ها شبیه اختراعات یا آثار خلاقانه نیستند که مستقیماً محصول کار و تلاش فیزیکی یا ذهنی قابل اندازه‌گیری باشند. این دیدگاه تأکید دارد که کار مورد نظر لاک، به معنای تلاش مشخص و قابل ردیابی است که منجر به خلق یک محصول نهایی یا بیان قابل حمایت شود. بنابراین، ایده در حال توسعه که هنوز در مراحل اولیه شکل‌گیری است و به مرحله محصول نهایی یا اثر قابل حمایت نرسیده، ممکن است فاقد این مشخصه تلقی شود.

تعارض درونی نظریه کار زمانی آشکار می‌شود که ایده در حال توسعه را با توجه به عناصر

تشکیل دهنده آن بررسی کنیم. می‌توان استدلال کرد که این نوع ایده‌ها نیز می‌توانند در زمره کار فکری قابل توجه قرار گیرند. این استدلال مبتنی بر آن است که جان لاک در نظریه خود، تمایز ماهوی میان کار فیزیکی و کار فکری قائل نشده است. لذا صرف زمان، دانش و تلاش فکری هدفمندی که ایده‌پرداز برای پرورش و تکامل ایده صرف می‌کند، نشان‌دهنده نوعی کار است که می‌تواند مبنای مالکیت باشد (انصاری، ۱۳۸۶، ص. ۱۳۵). از این منظر، ایده در حال توسعه که نوآورانه، بالقوه ارزشمند و دارای پتانسیل کاربردی و تجاری است، محصول کار فکری هدفمند و خلاقانه‌ای است که قابلیت تبدیل شدن به محصول یا خدمت نهایی را داراست و بنابراین، می‌تواند مشمول حمایت قرار گیرد؛ هرچند هنوز به مرحله ثبت اختراع یا اثر فکری مورد حمایت نرسیده باشد.

در نهایت، می‌توان نتیجه گرفت که نظریه کار جان لاک، مبنایی ارزشمند برای تبیین مالکیت فکری فراهم می‌آورد، اما باید با در نظر گرفتن ویژگی‌های خاص ایده در حال توسعه به کار گرفته شود. این تطبیق باید به گونه‌ای باشد که ارزش کار فکری صرف شده و پتانسیل نوآورانه این ایده‌ها را به رسمیت بشناسد و در عین حال، محدودیت‌های حقوقی موجود را نیز مدنظر قرار دهد. لذا ایده در حال توسعه بر اساس عناصر تشکیل دهنده و در چهارچوب نظریه کار لاک، واجد کار و تلاش فکری قابل توجهی است که می‌تواند مبنای حمایت حقوقی باشد؛ مشروط بر آنکه سازوکارهای حمایتی متناسب با ماهیت خاص آن طراحی شود.

۲.۲. نظریه حمایت از ایده در حال توسعه

همان‌طور که در ذیل نظریه عدم حمایت از ایده در حال توسعه، با ارزیابی و تأمل در مبانی این نظریه و نقد آن اثبات شد، مبانی سنتی استنادی در اینجا قادر به پاسخ‌گویی نیازهای جامعه در حال توسعه ایران نیستند و از جهات مختلف ناکارآمدند. همچنین، ایده در حال توسعه به مثابه یک مفهوم متمایز از مفهوم سنتی ایده، در مباحث حقوق مالکیت فکری مغفول مانده و مفهومی نوین است که باید قابلیت حمایت از آن در نظام حقوق مالکیت فکری تحلیل و ارزیابی شود. در این راستا، در ادامه، به واکاوی مبانی حمایت از ایده در حال توسعه به مثابه مال فکری در حقوق ایران می‌پردازیم.

۱.۲.۲. انطباق با مال فکری در حقوق ایران

امروزه ما با تحول و تغییر در قواعد سنتی حقوق اموال و به تبع، نظام قراردادی مرتبط با آن‌ها مواجه هستیم؛ چنان‌که مطابق ماده ۳۳۸ قانون مدنی، موضوع عقد بیع باید عین باشد که ظهور در اموال مادی و ملموس دارد، اما نیازهای جوامع امروزی و تحولات نوآوری‌ها سبب شده است که اموال غیرملموس از جمله اموال فکری نیز مالیت بیابد و موضوع بیع تجاری واقع شود (اشراقی آرانی، ۱۴۰۰، ص. ۷). این چنین، ایده‌های درحال توسعه و اموال فکری دو مفهوم مرتبط، اما متمایز در حوزه حقوق مالکیت فکری هستند. بررسی این دو مفهوم از منظر ویژگی‌های ماهوی، موضوعی است که نیاز به تحلیل دقیق دارد. در همین راستا، در تعریف مال فکری باید بیان داشت که مال فکری، اثری است غیرمادی که ناشی از تلاش ذهنی ابداعی و مبتکرانه است و به صورت قابل ادراک از طریق حواس نمود پیدا می‌کند (زاهدی و نظام‌الملکی، ۱۳۹۰، ص. ۱۶۱). بنابراین، وجود پنج ویژگی برای مال فکری محسوب شدن یک چیز ضروری است.

الف. از منظر مالیت داشتن

مال فکری باید دارای ارزش اقتصادی و قابلیت دادوستد در عرف را داشته باشد (کاتوزیان، ۱۳۸۴، ص. ۹). در این تعریف، بر قابلیت مبادله مال تأکید شده است؛ زیرا در بخش اول، تعریف ظاهر در این است که مال باید ارزش اقتصادی داشته باشد و قسمت دوم بر قابلیت انتقال آن تأکید دارد (باریکلو، ۱۳۹۹، ص. ۷). ایده‌های درحال توسعه نیز دارای یتانسیل کاربردی و تجاری هستند، اما چالش اصلی در این زمینه، عدم قطعیت ارزش اقتصادی آن‌هاست. این ایده‌ها هنوز در مرحله تکامل قرار دارند و ارزش نهایی آن‌ها مشخص نیست. با این حال، می‌توان استدلال کرد که ایده‌های درحال توسعه دارای ارزش اقتصادی بالقوه هستند که با تکمیل فرایند توسعه، این ارزش به فعلیت خواهد رسید. بنابراین، از منظر مالیت داشتن، ایده‌های درحال توسعه در وضعیت بینابینی قرار می‌گیرند؛ نه فاقد مالیت هستند و نه به طور کامل واجد این ویژگی.

ب. از منظر غیرمادی بودن

ایده‌های درحال توسعه، مشابه با سایر مصادیق اموال فکری، دارای ماهیتی کاملاً غیرمادی و انتزاعی هستند (میرحسینی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص. ۱۷۱). این ایده‌ها تجلی تفکر و خلاقیت ذهنی هستند و در تقابل ماهوی با اموال مادی و ملموس قرار می‌گیرند. از این حیث، ایده درحال توسعه

انطباق کاملی با معیار غیرمادی بودن مال فکری دارد. علاوه بر این، این ماهیت غیرمادی، خصیصه عدم استهلاك در اثر استفاده را نیز به همراه دارد. به این معنا که بهره‌برداری از ایده در حال توسعه برخلاف اموال مادی منجر به زوال یا کاهش ظرفیت بهره‌برداری نامحدود آن نمی‌شود.

ج. از منظر ناشی از تلاش ذهنی بودن

مال فکری بنا بر تعریف باید محصول تلاش ذهنی باشد (World Intellectual Property Organization (WIPO), 2004, p. 17). ایده‌های در حال توسعه به دلیل ماهیت خلاقانه و نوآورانه خود، بی‌گمان ثمره فعالیت فکری انسان هستند. این ایده‌ها از فرایند تفکر خلاق و هدفمند نشئت می‌گیرند و نیازمند صرف دانش تخصصی و تلاش ذهنی قابل توجه برای شکل‌گیری اولیه و تکامل تدریجی هستند. لذا از این منظر، ایده‌های در حال توسعه انطباق کاملی با معیار بنیادین مال فکری یعنی ناشی بودن از تلاش ذهنی دارند.

د. از منظر مبتکرانه بودن تلاش ذهنی

مبتکرانه بودن به معنای برخورداری از اوصاف و ویژگی‌های جدیدی است که آن را از موارد مشابه پیشین متمایز می‌سازد (نظام الملکی، ۱۳۹۷، ص. ۲۷). ایده‌های در حال توسعه به واسطه جوهره نوآورانه خود، فی‌نفسه واجد این وصف تلقی می‌شوند؛ زیرا خلاقیت و تازگی، عنصر ذاتی و محرک اصلی شکل‌گیری آن‌هاست. باین حال، چالش تحلیلی و عملی در این زمینه، نه در اصل وجود نوآوری، بلکه در اثبات و سنجش درجه نوآوری و تمایز آن از دانش پیشین نهفته است. از آنجاکه این ایده‌ها هنوز در مراحل اولیه تکامل قرار دارند و به سطح ظهور نهایی نرسیده‌اند، تعیین دقیق معیارها و حدود نوآوری آن‌ها دشوار است. با وجود این چالش روش‌شناختی، می‌توان استدلال کرد که ایده در حال توسعه، در سطح مفهومی و بالقوه، با معیار مبتکرانه بودن به‌عنوان یکی از ارکان مال فکری، سازگاری ماهوی دارد.

هـ. از منظر قابلیت ادراک از طریق حواس

معیار قابلیت ادراک از طریق حواس در نظام‌های حقوقی مختلف به‌ویژه در حوزه علائم تجاری (نظیر علائم بویایی و چشایی) محل مناقشه و اختلاف نظر است. در حالی که مقررات بین‌المللی (مانند ماده ۱۵ موافقت‌نامه تریپس) بر ویژگی متمایزکنندگی به‌جای قابلیت رؤیت تأکید دارند و

برخی کشورها ثبت علائمی نظیر بوی چمن تازه زده شده برای توپ تنیس را پذیرفته‌اند (Wagret, 2001, p. 91)، در مقررات داخلی ایران، استفاده از قید «قابل رؤیت» در تعریف قانونی علامت، مصادیق غیربصری (مانند علائم بویایی و صوتی) را از شمول حمایت خارج ساخته است (میرحسینی، ۱۳۹۱، صص. ۴۳-۴۴).

با وجود این اختلاف نظر در خصوص ایده در حال توسعه، باید تمایز ماهوی میان آن و ایده صرف را در نظر گرفت. ایده صرف به دلیل ماهیت خام و انتزاعی، فاقد قابلیت ادراک حسی است، لیکن همان گونه که تبیین شد، ایده در حال توسعه از حالت انتزاعی محض خارج شده و از طریق تلاش‌های ذهنی، عملی، آزمایشگاهی و مستندسازی، به مرحله‌ای بینابین ایده صرف و بیان نهایی رسیده است. بنابراین، این مفهوم واجد هیئتی است که امکان تشخیص و ارزیابی عینی آن را فراهم می‌آورد و از این منظر، با معیار قابلیت ادراک سازگاری دارد.

با توجه به تحلیل فوق، می‌توان نتیجه گرفت که ایده‌های در حال توسعه با تمام ویژگی‌های پنج‌گانه مال فکری انطباق دارد و به دلیل صرف زمان، دانش و تلاش برای شکل‌گیری آن‌ها و همچنین، پتانسیل اقتصادی قابل توجه، به نظر می‌رسد از این منظر قابلیت حمایت را دارند.

۲.۲.۲. تقویت انگیزه نوآورانه

حمایت از ایده در حال توسعه که در مرحله میانی آغاز فرایند نوآورانه تا سرانجام آن و تحقق کامل نوآوری قرار دارد، دلیلی حمایتگر و انگیزه‌بخش برای تکامل نوآوری است؛ به‌ویژه آنجا که نوآوری پیچیده و زمان‌بر است؛ زیرا در مواردی مانند نوآوری‌های زیست‌فناوری که در آن طول دوره فرایند نوآوری به‌طور میانگین از ۱۲ تا ۱۵ سال (یداللهی فارسی و کلاتهای، ۱۳۹۱، ص. ۶۵) و مستلزم صرف هزینه فراوان است (حبیبی و معلی، ۱۳۹۴، ص. ۲)، اگر حمایت موکول به تحقق نهایی نوآوری شود، خود موجب ضعف انگیزه و کاهش قلمرو مبتکرین می‌شود؛ زیرا در این وضعیت جز شرکت‌های بزرگ زیست‌فناوری که دارای اندوخته مالی قابل توجه و منابع اطلاعاتی غنی هستند، سایر مبتکرین و شرکت‌های کوچک‌تر به دلیل این نقیصه در سازوکار حمایتی، عملاً انگیزه مطلوب برای نوآوری را از دست می‌دهند. به‌علاوه، در اینجا بهینه‌سازی بهره‌برداری از نوآوری‌ها در گروهی سازوکارها و قالب‌های حمایتی در طول دوره نوآوری و قبل از تولید نهایی محصول نوآورانه و تجاری‌سازی آن است. در اینجا نظریه حمایت از ایده در حال توسعه، قالب

حمایتی متناسبی به منظور حمایت از نوآوری و فرایند شکل‌گیری آن ایجاد می‌کند. مهم‌ترین اثر این رویه، ایجاد و حفظ انگیزه نوآوران در این نوع نوآوری‌ها و جلوگیری از سرقت‌های علمی در این زمینه است؛ البته نباید در این زمینه راه افراط پیمود و نحوه و میزان حمایت را در سطح نوآوری کامل و مصادیق شایع اموال فکری دانست، بلکه باید سطح کمتری از حمایت را در نظر گرفت تا در نهایت، همین سازوکار حمایتی به مانعی در زنجیره و چرخه اطلاعات نوآوران در آن حوزه مبدل نشود.

۳.۲.۲. تحقق مؤلفه‌های ضروری در تجاری‌سازی اموال فکری

بر مبنای ویژگی‌های تمایز بخش ایده در حال توسعه و ماهیت عینی و کاربردی آن، حمایت از آن در حوزه نوآوری‌های صنعتی و تجاری، نقشی محوری در تحقق مؤلفه‌های ضروری در تجاری‌سازی اموال فکری ایفا می‌کند؛ بدین نحو که با سازوکاری اطمینان‌بخش، زمینه‌ساز تبدیل ایده‌های نوآوران به محصولات، خدمات و فرایندهای قابل عرضه در بازار و صنایع مرتبط می‌شود. بی‌تردید این حمایت علاوه بر کاهش ریسک عرضه و افشای اطلاعات نوآوران در موارد مقتضی و مورد نیاز برای تکمیل و تجاری‌سازی نوآوری، انگیزه نوآوران در اشخاص را نیز تقویت می‌کند و افزایش می‌دهد؛ البته در طرح این مزیت نباید راه افراط در پیش گرفت و فرضی مطلق را در نظر گرفت؛ زیرا فهم دقیق انگیزه‌های تجاری‌سازی دارای دشواری‌هایی است که بیش از هر چیز ناشی از نقش عوامل متعدد در این زمینه است؛ توضیح آنکه، انگیزه‌های غیرمالی مانند تمایل به اشتراک‌گذاری نوآوری‌ها با جامعه، لذت بردن از فرایند خلاقیت و کسب اعتبار علمی یا هنری و همچنین، انگیزه‌های اقتصادی، در ترغیب پدیدآورندگان به تکمیل و تجاری‌سازی ایده‌های خود اثرگذار است. در این میان، حمایت از ایده در حال توسعه عاملی اساسی در میان سایر عوامل است و نقشی ممتاز در این مجموعه دارد؛ به گونه‌ای که پدیدآورندگان می‌توانند با ایده‌های کارآمد و عینیت‌یافته، خود را به مسیر تجاری‌سازی هدایت کنند و از ثمرات اقتصادی آن در جهت پیشرفت هنر، صنعت، تجارت و فناوری بهره‌مند شوند.

همچنین، باید توجه کرد که یکی از مراحل اساسی در تجاری‌سازی انتقال دانش است (تقی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۵، ص. ۲۳). در این میان، ریسک‌های مرتبط با درز اطلاعات نوآوران به اشخاص ثالث و غیرمرتبط و در نتیجه، تضعیف و حتی حذف منافع نوآوران مبتکر بر اثر این امر،

اثری ملموس بر کاهش تمایل به تجاری‌سازی محصول و اتخاذ سازوکارهای پیچیده و به‌شدت انحصاری در این زمینه می‌گذارد؛ امری که خود، جریان تبادل اطلاعات نوآورانه را که مقدمه‌ای ضروری برای تکامل و تجاری‌سازی نوآوری‌هاست، با چالش‌های اساسی از منظر کاهش موارد موضوع تبادل، عدم تبادل اطلاعات واقعی و تلاش برای عرضه اطلاعات کلی و ناکارآمد مواجه می‌کند.

این چنین، در حالی که مدیریت دارایی‌های فکری نقش ویژه در نظام ملی نوآوری (شریف زاده، ۱۳۹۰، ص. ۲۹۷) و به‌تبع، جریان تجاری‌سازی نوآوری‌ها در کشور دارد، بخشی از این مدیریت در اتخاذ سازوکارهای متناسب برای حمایت حقوقی از ایده‌های در حال توسعه، که خود زمینه‌ساز نوآوری نهایی می‌باشد، نهفته است.

۳.۲. دیدگاه منتخب؛ حمایت استثنایی با معیارهای خاص

ایده به‌عنوان هسته اصلی و بنیادین هر اثر فکری در حوزه‌های ادبی، هنری و صنعتی، نقش ویژه‌ای در فرایند آفرینش و نوآوری ایفا می‌کند. نقش مذکور ضرورت بازنگری در مبانی سنتی نظام مالکیت فکری را آشکار می‌سازد؛ زیرا درحالی‌که در عصر اطلاعات، تبادل داده‌ها امری اجتناب‌ناپذیر و جزئی ضروری از فرایندهای اقدام و تعامل در حوزه‌های مختلف است، مبانی مذکور، با اتکا بر تلقی سنتی از فرایندها و اقدامات نوآورانه، از حمایت حقوقی ایده‌ها به‌عنوان مفاهیم صرف ذهنی خودداری کرده‌اند (میرشمسی و همکاران، ۱۴۰۳، ص. ۳). این در حالی است که زمانی که ایده صرفاً به‌عنوان یک تصور ذهنی باقی نمی‌ماند و به شکل عینی، ملموس و قابل درک برای دیگران تبدیل می‌شود، قابلیت احراز حقوقی و حمایت قانونی پیدا می‌کند. در بستر این فرایند عینیت‌یافتگی، تعیین دقیق حدود و ثغور ایده و تبدیل آن به یک هیئت مادی یا قابل تشخیص محقق می‌شود و ضمن احترام به تلاش و زحمات مبتکر در مراحل اولیه خلق و پرورش ایده، زمینه را برای حمایت حقوقی فراهم می‌آورد (انصاری، ۱۳۸۶، ص. ۱۳۶). در این چهارچوب، مفهوم ایده در حال توسعه به‌مثابه مقدمه و طرح اولیه نوآوری که به‌تدریج تکامل می‌یابد و به نوآوری نهایی مبدل می‌شود، خود مرحله‌ای ضروری در فرایند آفرینش فکری است که در شرف مرحله پایانی و متضمن بخش زیادی از اطلاعات نهایی و کاربردی نوآوری است. لذا ضرورت حمایت حقوقی از آن حتمی و انکارناپذیر است.

با وجود این، نباید پنداشت که حمایت از ایده در حال توسعه به مثابه یک قاعده کلی مطلوب و توجیه پذیر می‌نماید. از سویی احراز پیش شرط‌های حمایتی در اینجا هم سطح با سایر اموال فکری مقدور و میسر نیست. از سوی دیگر، حمایت از ایده در حال توسعه با چالش‌های جدی مواجه است. مهم‌ترین چالش، ابهام در معیارهای عینیت یافتگی و حدود و ثغور مشخص است که شرط لازم برای حمایت در این مرحله است. همچنین، حمایت زود هنگام می‌تواند انگیزه پدیدآورندگان برای افشا و توسعه کامل ایده‌ها را تضعیف کند و جریان نوآوری را کاهش دهد. مشکلات عملی در اثبات عینیت یافتگی و دشواری‌های اجرایی حقوق مالکیت فکری در مورد این ایده‌ها، از دیگر چالش‌ها هستند. در نهایت، تفسیر موسع از اصل بنیادین عدم حمایت از ایده، زمینه ساز تعارض ظاهری با حمایت از ایده در حال توسعه به مثابه مال فکری است.

این چنین، اتخاذ رویکرد واقع بینانه در این زمینه مستلزم جمع اصول بنیادین حقوق مالکیت فکری با ترجیحات اقتصادی و توسعه‌ای است؛ به گونه‌ای که نه به نفی اصول بینجامد و نه به حمایت مطلق از ایده منجر شود. در این راستا، نمی‌توان فراتر از حمایت استثنایی، ضرورتی در زمینه ایده در حال توسعه متصور شد؛ البته حمایت استثنایی به مثابه نفی حمایت حقوقی مطلوب نیست، بلکه خود ابزاری برای عدم تسری نظام حمایتی در اینجا به نهادهای مشابه و اعمال کلی قواعد حمایتی به گونه‌ای است که شروط حمایتی و اعطای حقوق مالکانه به مبتکرین و صاحبان آثار فکری در مصادیق مختلف اموال فکری نفی شود. این چنین، در حالی که نفس حمایت از ایده در حال توسعه ضرورتی انکارناپذیر است، حمایت مطلوب و کارآمد منوط به ملاحظات زیر است. اولاً، باید شرایط حمایتی از ایده در حال توسعه را با به کارگیری ضوابط دقیق و همسو با تولید و تجاری سازی محصول نوآورانه تعیین کرد؛ به گونه‌ای که عملاً حمایت به طرح‌های اولیه نوآوری که از منظر فنی و کارشناسی قابلیت پیاده سازی و اجرا داشته باشند، محدود شود.

ثانیاً، حمایت از ایده در حال توسعه نباید منجر به انحصار یا کاهش انگیزه برای بیان کامل ایده‌ها شود. برای ایجاد این تعادل، الزام به افشای جزئیات کافی برای بهره‌مندی از حمایت قانونی و تعیین مدت زمان محدود و قابل تمدید بر اساس پیشرفت‌های قابل اندازه گیری، ضروری است.

ثالثاً، حمایت از ایده‌ها در این مرحله باید به عنوان استثنایی بر اصل حمایت از بیان در نظر گرفته شود و شرایط خاصی نظیر اثبات نوآوری، تلاش‌های ملموس برای توسعه ایده و ارائه

برنامه تجاری‌سازی برای آن تعیین شود.

۳. مدل‌های حمایت از ایده در حال توسعه در ایران

اگر بخواهیم تحلیلی دقیق از سازوکارهای حمایت از ایده در حال توسعه داشته باشیم، باید آن را در مدل‌های حمایتی دنبال کنیم. با پرداختن به این مدل‌ها به خوبی می‌توان مبانی توجیهی و سیاست‌گذاری در این عرصه را واکاوی و ارزیابی کرد؛ زیرا این مدل‌ها به خوبی ابعاد و آثار حمایت حقوقی از ایده را آشکار می‌کند. بر مبنای مطالعات نگارنده، از میان مدل‌های حمایتی مختلف، بر مبنای ظرفیت تقنینی و رویه‌ای در حقوق ایران، مدل اسرار تجاری و مدل رقابت غیرمنصفانه مواردی است که قابلیت حمایت از ایده در حال توسعه در آن‌ها متصور است. در زیر به ارزیابی حمایت از ایده در حال توسعه در هریک از این مدل‌ها می‌پردازیم.

۱.۳. اسرار تجاری

در دنیای رقابتی امروز، اطلاعات به عنوان یکی از مؤلفه‌های کلیدی بقا و پیشرفت کسب‌وکارها اهمیت ویژه‌ای دارد. «اسرار تجاری» به عنوان مجموعه‌ای ارزشمند از دانش محرمانه، نقش مهمی در تضمین مزیت رقابتی شرکت‌ها ایفا می‌کند. این مفهوم به طور کلی، به هرگونه اطلاعات ارزشمند و محرمانه اشاره دارد و به طور خاص، شامل اطلاعاتی است که دارای شرایط قانونی مشخصی برای حمایت هستند (انصاری، ۱۴۰۱، صص. ۴۴-۴۵). ماده ۵۵ قانون حقوق مالکیت فکری مصر و قانون متحدالشکل اسرار تجاری ایالات متحده آمریکا، با الزاماتی نظیر داشتن ارزش اقتصادی، عدم دسترسی عمومی و حفظ محرمانگی، اسرار تجاری را به رسمیت شناخته‌اند (قبولی درافشان و بختیاروند، ۱۴۰۰، ص. ۹۶). این رویکرد همچنین، در موافقت‌نامه تریپس و دستورالعمل‌های اتحادیه اروپا نیز مورد توجه قرار گرفته است. با وجود ماهیت محرمانه ذاتی اسرار تجاری که ارزیابی کمی دقیق، ارزش آن‌ها را با پیچیدگی مواجه می‌سازد، آنچه قطعی و انکارناپذیر است، ارزشمندی این اسرار به مثابه مال هم‌سطح با سایر اموال فکری است؛ چنان‌که مطابق مطالعات اقتصادسنجی در آمریکا، سهم دارایی‌های نامشهود (شامل اسرار تجاری، حق اختراع و سایر اشکال مالکیت فکری) در ساختار ارزشی بنگاه‌های اقتصادی روندی تصاعدی داشته است. در

اینجا بر پایه تحلیل‌های آماری صورت گرفته در ۵۰۰ شرکت برتر فهرست شده در شاخص اس اند پی ۵۰۰^۱، سهم این دارایی‌ها از ۱۷ درصد کل ارزش شرکت‌ها در سال ۱۹۷۵ به ترتیب به ۳۲ درصد (۱۹۸۵)، ۶۸ درصد (۱۹۹۵)، ۸۰ درصد (۲۰۰۵) و در نهایت، ۸۱ درصد در سال ۲۰۰۹ رسیده است (Almeling, 2012, p. 1093). این چنین، نقش این مدل حمایتی در حفظ و ارتقای ارزش اموال فکری مورد حمایت مشهود است.

در نظام حقوقی ایران تا قبل از تحولات تقنینی اخیر، به صورت پراکنده به اسرار تجاری اشاره شده است. برای مثال، ماده ۶ قانون همکاری هسته‌ای با روسیه (۱۳۷۲) و ماده ۱ قانون سرمایه‌گذاری با آلمان (۱۳۸۲)، به برخی جنبه‌های مرتبط با اسرار تجاری پرداخته‌اند. همچنین، قانون‌گذار در ماده ۶۵ قانون تجارت الکترونیک (۱۳۸۲)، تعریفی از اسرار تجاری الکترونیکی ارائه کرده که شامل اطلاعات، فرمول‌ها، الگوها، نرم‌افزارها و سایر داده‌های ارزشمند است که به طور مستقل دارای ارزش اقتصادی هستند و در دسترس عموم قرار ندارند. ماده ۱ قانون بازار اوراق بهادار (۱۳۸۴) نیز به طور غیرمستقیم بر اهمیت حفظ اطلاعات محرمانه تأکید دارد (رهبری، ۱۳۸۸، صص. ۲۴-۲۵). با این همه، فقدان قواعد جامع و متناسب برای حمایت از اسرار تجاری به عنوان یکی از ارکان کلیدی دارایی‌های نامشهود هر بنگاه در قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری مصوب ۱۳۸۶، از ضعف‌های این قانون بود. در همین راستا، قانون‌گذار ایران در قانون حمایت از مالکیت صنعتی مصوب ۱۴۰۳، احکام ویژه‌ای را در فصلی مستقل به تعریف و حمایت از اسرار تجاری اختصاص داده (Ghabooli Dorafshan & Fateminia, 2025, p. 155) و با تعریف اسرار تجاری در ماده ۱۲۲، ابهامات قبلی را برطرف کرده است. ماده ۱۲۲ این قانون، اسرار تجاری را به عنوان اطلاعاتی با ارزش اقتصادی مستقل که عموماً ناشناخته هستند و به راحتی قابل دسترسی نیستند، تعریف کرده است و بر لزوم اتخاذ تدابیر معقول برای حفظ محرمانگی تأکید دارد.

برخلاف دیگر اشکال مالکیت فکری، حمایت از اسرار تجاری نیازی به ثبت رسمی ندارد و محدودیت زمانی خاصی نیز برای آن وجود ندارد. این ویژگی باعث می‌شود که طیف وسیعی از

اطلاعات تحت حمایت قرار گیرند و تا زمانی که افشا نشوند، این حمایت ادامه داشته باشد (انصاری، ۱۴۰۱، صص. ۴۴-۴۵). زمانی که ایده‌ها در قالب اطلاعات تجاری محرمانه مانند فرمول‌های ساخت، روش‌های تولید یا استراتژی‌های بازاریابی تجلی یابند، به‌عنوان اسرار تجاری شناخته می‌شوند و تحت حمایت قانونی قرار می‌گیرند. قانون حمایت از مالکیت صنعتی (۱۴۰۳) با به رسمیت شناختن اسرار تجاری و پیش‌بینی مجازات برای افشای غیرقانونی آن‌ها، به‌طور غیرمستقیم از ایده‌های نهفته در پس این اسرار نیز حمایت می‌کند. با وجود مزایای بالقوه اسرار تجاری در حمایت غیرمستقیم از ایده‌ها، اثربخشی عملی این سازوکار در نظام حقوقی ایران همچنان نیازمند بررسی دقیق‌تر است.

حمایت از ایده در حال توسعه در مدل حمایتی اسرار تجاری با چالش‌ها و تعارضات ذاتی و اساسی مواجه است. در اینجا با توجه به ویژگی ذاتی محرمانگی اموال مورد حمایت، تبادل هرگونه اطلاعات نوآورانه سالبه به انتفای موضوع است. این در حالی است که اساساً مبنای حمایت از ایده در حال توسعه، ضرورت همین تبادل و حفظ جریان نوآوری به‌منظور تکامل نوآوری‌هاست. در واقع، در اینجا نهاد حقوقی ایده در حال توسعه حد فاصل شرط بیان در حمایت از آثار و آفرینش‌های فکری و به‌تبع آن، اصل عدم حمایت از ایده از سویی و اصل حمایت‌پذیری آفرینش‌های فکری از سوی دیگر، در صدد حمایت ضروری از ایده‌هایی است که در شرف تکامل و تبدیل به نوآوری هستند و این تکامل در گروی اموری چند از جمله تبادل اطلاعات نوآورانه است. به‌علاوه، اساساً حمایت از ایده در حال توسعه به‌مثابه طرح نوآورانه یا نوآوری بالقوه که مشمول حمایت استثنایی است، منوط به ارزیابی پیش‌شرط‌های حمایتی در این زمینه است که جز با دستیابی به اطلاعات نوآورانه آن مقدور نیست. نهایت اینکه، جمع منافع مبتکر و جامعه در حمایت حقوقی از ایده در حال توسعه با دستیابی به اطلاعات نوآورانه و افشای آن نزد مراجع ارزیابی و همچنین، افشای اولیه و کلی نوآوری به‌منظور دستیابی جامعه مبتکرین به آن است و این امر با محرمانگی مورد نظر در مدل حمایتی اسرار تجاری منافات دارد.

۲.۳. رقابت غیرمنصفانه و حفاظت از ایده در حال توسعه

در دنیای تجارت معاصر، حفظ فضای رقابتی سالم و عادلانه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در همین راستا، قوانین مربوط به رقابت غیرمنصفانه با هدف مقابله با اقدامات مکارانه و حمایت از

حقوق فعالان اقتصادی تدوین شده است. این قواعد با ممنوعیت اقداماتی نظیر رقابت نامشروع و افشای اسرار تجاری، به تنظیم بازار و جلوگیری از سوءاستفاده‌های بازیگران خاص می‌پردازند. برای مثال، در قانون اصلاح ماده ۲۴۴ و ماده ۲۴۹ قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۱۰، رقابت غیرمنصفانه (مکارانه) چنین تعریف شده است که «رقابت غیرمنصفانه عبارت است از اینکه تاجری برای انصراف مردم از خرید یا استفاده از متاعی مشابه، با استفاده از نسبت‌های کذب یا هر وسیله متقلبانه دیگر، به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم درصدد معیوب یا نامرغوب جلوه دادن آن متاع برآید». همچنین، بر اساس بند ۲ ماده ۱۰ مکرر کنوانسیون پاریس، رقابت نامشروع، هرگونه رقابتی است که خلاف اصول اخلاقی و شرافتمندانه صنعت و تجارت باشد. با این حال، این توصیف خود به‌زعم برخی صاحب‌نظران، در دام ابهامات ماهوی گرفتار آمده است (Norman, 2014, p. 9)؛ چنان‌که این عدم وضوح در تعریف صریح قانونی در حقوق فرانسه نیز مشهود است؛ جایی که رقابت غیرمنصفانه به‌طور کلی هرگونه رفتار یا ترتیبی معرفی شده است که انصاف، آن را مقبول نمی‌داند و در تنافی با قانون و عرف است و ماهیتاً، به‌منظور ایراد لطمه به رقبا صورت گیرد (Lopez Galdos, 2016, p. 1). این چنین، در یک تعریف جامع می‌توان رقابت غیرمنصفانه را آن دسته از فعالیت‌هایی دانست که مصلحت عمومی چشم بر آن‌ها نمی‌بندد و با استفاده از وسایلی صورت می‌گیرد که قانون، عرف و اخلاق تجاری آن‌ها را مطرود شمرده و هدف از توسل به این وسایل، لطمه به رقبای تجاری است (رهبری و حسنی سنگانی، ۱۳۹۸، ج ۱، ص ۳۴).

اثبات رقابت غیرمنصفانه مستلزم احراز عنصر تقصیر است؛ عنصری که در مورد ایده در حال توسعه به معنای اثبات سوءنیت یا غفلت و بی‌مبالاتی در استفاده از ایده دیگری است. اثبات سوءنیت مستلزم احراز علم استفاده‌کننده به مالکیت دیگری و ارائه ایده به نام خود است درحالی‌که غفلت با احراز عدم بررسی کافی و بی‌توجهی در ارائه ایده در حال توسعه دیگری محقق می‌شود. همچنین، شرایط و اوضاع خاصی نظیر سابقه فعالیت طرفین و میزان شباهت بین دو اثر، در تشخیص تقصیر مؤثر هستند (François, 2000, p. 96). در همین راستا، استفاده غیرمنصفانه از ایده‌های در حال توسعه دیگران، در مواردی که منجر به اشتباه در تشخیص منشأ اثر شود، پیامدهای قانونی به همراه دارد. به این ترتیب، اگر اثر مبتنی بر ایده سرقت‌شده به‌گونه‌ای ارائه شود که مشتری آن را با اثر اصلی اشتباه بگیرد، رقابت غیرمنصفانه محقق شده و استفاده‌کننده ممکن است تحت

پیگرد قانونی قرار گیرد (Pollaud-Dulian, 2005, pp. 88-89). این نوع حمایت، عمدتاً در قلمرو تبلیغات تجاری کاربرد عملی می‌یابد (Colombet. 1976, p. 23).

قواعد رقابت غیرمنصفانه در ظاهر می‌توانند ابزاری برای حمایت از ایده‌های نوآورانه در برابر سوءاستفاده‌های آشکار باشند و هدف غایی آن‌ها تضمین فضای رقابتی مبتنی بر شایستگی و نوآوری است (محسنی و قبولی درافشان، ۱۳۹۵، صص. ۱۲۸-۱۲۹)، اما اثربخشی عملیاتی آن‌ها در حمایت از ایده در حال توسعه به‌طور خاص در نظام حقوقی ایران، با چالش‌های جدی مواجه است. دشواری اثبات عنصر تقصیر (اعم از عمد یا بی‌توجهی) و احراز رابطه سببیت میان اقدام غیرمنصفانه و خسارت وارده به صاحب ایده، اتکا به این قواعد را به‌عنوان ابزار اصلی حمایت از ایده‌های در شرف تکامل غیرواقع‌بینانه می‌سازد. لذا این ابزار حقوقی به‌رغم اهمیت نظری، در عمل دارای محدودیت‌های اجرایی قابل توجهی است. همچنین، رقابت غیرمنصفانه روشی مکمل است و آنجا مصداق می‌یابد که سایر مدل‌ها و قالب‌های حمایتی از مال فکری حمایت نمی‌کنند (سیمایی صراف و حمداللهی، ۱۳۹۴، ص. ۵۷) یا حمایتی کارا و مؤثر ندارند. لذا مادامی‌که بتوان در سایر مدل‌های حمایتی از ایده در حال توسعه حمایت کرد، محملی برای به‌کارگیری این قالب و مدل حمایتی باقی نمی‌ماند.

۳.۳. حمایت موقت و خاص در قالب‌های کنونی حقوق مالکیت فکری؛ رویکرد واقع‌بینانه و منتخب

روش دیگر در حمایت از ایده در حال توسعه آن است که این ایده در قالب‌های حمایتی کنونی، اما نه هم‌سطح با مال فکری، بلکه در سطحی کمتر، به‌مثابه شکلی خاص از همان مال مورد حمایت واقع شود. مبانی توجیهی این روش یا با تلقی تحقق مالیت فکری در مرحله‌ای قبل از اتمام نوآوری است یا در تلقی ایده در حال توسعه در تحقق نوآوری نهایی. در این میان، به نظر می‌رسد نمی‌توان مبنای نخست را اعمال کرد و به مقابله با ساختار کنونی نظام حقوق مالکیت فکری برخاست؛ زیرا مبنای متقنی موجود نیست تا بخواهیم احراز مالیت فکری در معنای مرسوم را در مراحل قبل از آنچه اکنون وجود دارد، اعمال کنیم، بلکه باید در ساختار موجود از ظرفیت حمایتی نظام حقوقی مذکور برای ایجاد سطحی نازل‌تر از حمایت در مرحله قبل از اتمام نوآوری بهره برد.

البته نباید این را قاعده فراگیر و در تمام مصادیق اموال فکری دانست. صرف‌نظر از اسرار

تجاری به شرحی که ذکر شد، اساساً مسئله تحقق ایده نوآورانه در آن سالبه به انتفای موضوع است و رقابت غیرمنصفانه که روشی مکمل است و در سازوکار حاضر مصداق نمی‌یابد، در سایر مصادیق اموال فکری می‌توان مفهوم ایده در حال توسعه را مفهومی قابل تحقق دانست. این چنین، آنجا که یک اثر ادبی تدوین یافته، اما نویسنده هنوز آن را کامل ندانسته است و برخی اصلاحات را ضروری می‌داند، آنجا که مخترع، طرح فنی را ترسیم کرده است و آزمایش‌های نهایی اختراع را طی می‌کند، در مواردی که علامت یا نام تجاری انتخاب شده است، اما در فرایند ارزیابی فنی و اقتصادی برترین شکل بیان یا ترسیم علامت است و در نهایت، آنجا که طرح اولیه طرح صنعتی ترسیم شده و در دست ارزیابی فنی برای شکل نهایی پیاده‌سازی است، در همه این‌ها شکلی از نوآوری محقق شده است که نمی‌توان آن را دارای فاصله قابل توجه با نوآوری نهایی دانست؛ تا حدی که در مواردی با یکدیگر خلط می‌شوند. حال باید شکلی نازل‌تر از همان حمایت حقوقی متصور در قالب‌های حقوقی را برای این شکل خاص از اموال فکری در نظر گرفت. سطح نازل‌تر حمایت و رویکرد واقع‌بینانه در این زمینه با لحاظ دو مؤلفه تحقق می‌یابد؛ نخست موقت بودن حمایت و دیگر خاص بودن.

در اینجا موقت بودن حمایت، دوره زمانی حمایت را در مقایسه با نوآوری نهایی در همان قالب حمایتی بسیار کوتاه می‌نماید. نباید پنداشت موقت بودن به مثابه ویژگی غالب در حمایت حقوقی از اموال فکری با موقت بودن در مفهوم مورد نظر در اینجا یکی است. موقت بودن در حمایت حقوقی از اموال فکری مفهومی است که دوره بهره‌برداری از نوآوری را از شکل دائمی خارج می‌کند نه آنکه آن را مختص دوره کوتاه زمانی کند. این در حالی است که موقت بودن در ایده در حال توسعه دلالت بر دوره کوتاه حمایت در حد ضرورت حفظ حقوق نوآورانه تا تحقق و تکامل نهایی نوآوری می‌کند. این دوره کوتاه بسته به ماهیت نوآوری و مال فکری، طول دوره نوآوری و پیچیدگی و دشواری آن و همچنین، ساختار قالب حمایتی مورد نظر تمایز می‌یابد. این چنین، به اعتقاد نگارنده، با لحاظ سطح پیچیدگی نوآوری و به تبع، طول دوره نوآوری و ارزیابی آن، در حوزه آثار نرم‌افزاری کوتاه‌ترین دوره حمایت، در حوزه آثار ادبی و هنری، علائم و نام‌های تجاری دوره حمایتی با مدت طولانی‌تر و میانه و در نهایت، در حوزه اختراعات که پیچیده‌ترین و طولانی‌ترین طول دوره نوآوری را دارند، چنان‌که در ارتباط با اختراعات

زیست فناوری این مدت تا ۱۵ سال دانسته شده (یداللهی فارسی و کلاتهای، ۱۳۹۱، ص. ۶۵)، دوره حمایت بیشتر مطلوب و متناسب است.

خاص بودن نیز قیدی برای محدود کردن مصادیق حقوق مورد حمایت در ارتباط با ایده در حال توسعه است. باید توجه کرد هنوز نوآوری تجاری سازی نشده است تا تعلق شکل کامل حقوق مادی به صاحب ایده مصداق یابد، اما حقوق معنوی در همین وضعیت به ایشان تعلق می‌گیرد؛ البته نباید صاحب ایده را از تمام حقوق مادی محروم دانست، بلکه باید حقوق مادی ایشان را از سویی ناظر بر حقوق سلبی و حق منع دیگران از بهره‌برداری از شکل ناقص نوآوری یا همان ایده در حال توسعه و ایجاد حق تقدم برای وی در زمینه شکل کامل نوآوری و از سوی دیگر، محدود به قابلیت بهره‌برداری از شکل موجود نوآوری غیرنهایی، آن هم در موارد خاصی که با لحاظ ضوابط قانونی و فنی، منافی متصور باشد، دانست. مانند آنکه شکل ناقص یک رمان مبنایی برای نگارش یک فیلم‌نامه واقع شود، حقوق معنوی نیز صرفاً ناظر بر همین شکل ناقص و تکامل نیافته نوآوری خواهد بود. تمایز در میان حقوق معنوی و حقوق مادی در اینجا بیش از هر چیز، ریشه در پیوند حقوق معنوی با شخصیت و ماهیت آمره به مثابه ویژگی‌های ایجابی این حقوق دارد (زرکلام، ۱۳۸۷، ص. ۱۳۶).

نتیجه‌گیری

یافت‌های پژوهش حاضر حاکی است که:

۱. تحلیل مفهوم و ماهیت ایده در حال توسعه نشان می‌دهد در حالی که واژه کلی «ایده» از ابهام معنایی و حقوقی گسترده‌ای رنج می‌برد، مفهوم ایده در حال توسعه به عنوان یک سازه هدفمند و کاربردی برای پر کردن خلأ میان یک اندیشه صرف و یک دارایی فکری کاملاً حمایت شده معرفی می‌شود. در واقع، ماهیت متمایز این مفهوم بر اساس سه عنصر اساسی تعریف شده است. اولاً، نوآورانه و بالقوه ارزشمند بودن، ثانیاً، در حال شکل‌گیری بودن و عدم شمول حمایت‌های حقوقی موجود (که جایگاه آن را در مراحل اولیه تکامل مشخص می‌کند) و ثالثاً، دارا بودن پتانسیل کاربردی و تجاری (که نشان‌دهنده سرمایه‌گذاری قابل توجه زمان، دانش و تلاش توسط ایده‌پرداز است).

۲. در این راستا، ارزیابی رویکرد سنتی و شایع در نظام حقوق مالکیت فکری که بر مبنای شرط

«بیان» و اصل عدم حمایت از ایده استوار است، بیان‌کننده آن است که در قبال مفهوم متمایز ایده در حال توسعه دچار تعارض مفهومی و ناکارآمدی است. تحلیل انتقادی مبانی سنتی عدم حمایت نظیر تعارض با منفعت عمومی (آزادی دسترسی به دانش) و مبانی فقهی (حرمت کتمان علم) و همچنین، محدودیت‌های نظریه کار جان لاک در تطبیق دقیق با ماهیت این ایده، حاکی است که این مبانی صرفاً ناظر بر ایده‌های خام و انتزاعی هستند و قابلیت استناد در مورد ایده در حال توسعه را ندارند. در مقابل، این پژوهش استدلال می‌کند که ایده در حال توسعه به مثابه یک مال فکری، با پنج ویژگی اساسی اموال فکری در حقوق ایران (مالیت بالقوه، غیرمادی بودن، ناشی از تلاش ذهنی، مبتکرانه بودن و قابلیت ادراک عینی) انطباق ماهوی دارد. لذا حمایت حقوقی از این نهاد نه تنها از منظر توجیهات نظری امکان‌پذیر است، بلکه از حیث کارکردی نیز برای تقویت انگیزه نوآوران در فرایندهای طولانی‌مدت (نظیر زیست‌فناوری) و تحقق مؤلفه‌های ضروری تجاری‌سازی (از طریق کاهش ریسک افشا و تسهیل مدیریت دارایی‌های فکری) حیاتی است و به عنوان یک سازوکار حمایتی متناسب، می‌تواند از سرقت علمی جلوگیری و جریان تکامل نوآوری را تضمین کند.

۳. همچنین، در نظام حقوقی ایران دو مدل حمایتی اسرار تجاری و رقابت غیرمنصفانه دارای ظرفیت بالقوه برای حمایت از ایده در حال توسعه هستند، اما هر دو مدل با تعارضات و محدودیت‌های ساختاری مواجه‌اند. مدل اسرار تجاری که بر مبنای حفظ محرمانگی مطلق استوار است، با نیاز ذاتی ایده در حال توسعه به تبادل اطلاعات نوآوران برای تکامل و ارزیابی (به منظور جمع منافع مبتکر و جامعه) در تضاد بنیادین قرار دارد و عملاً حمایت از این ایده را سالبه به انتفای موضوع می‌سازد. از سوی دیگر، مدل رقابت غیرمنصفانه به لحاظ نظری می‌تواند در برابر سوءاستفاده‌های آشکار از ایده‌ها در فضای تجاری مورد استناد قرار گیرد، اما اثربخشی عملیاتی آن در حمایت از ایده در حال توسعه به دلیل دشواری احراز عنصر تقصیر (عمد یا غفلت) و اثبات رابطه سببیت میان عمل غیرمنصفانه و خسارت وارده، غیرواقع‌بینانه است و به دلیل ماهیت تکمیلی خود، تنها در صورت ناکارآمدی سایر مدل‌ها، قابلیت به کارگیری می‌یابد. در نتیجه، هیچ‌یک از این دو مدل، به تنهایی و به طور کامل، سازوکار حمایتی کارآمد و متناسب با ماهیت بینابینی و آسیب‌پذیر ایده در حال توسعه را فراهم نمی‌کنند.

پیشنهادهای

در راستای طراحی سازوکار حمایت استثنایی و مشروط از ایده در حال توسعه، با توجه به تعارض موجود میان اصل سنتی عدم حمایت از ایده و ضرورت گریزناپذیر حمایت از ایده‌ای که عینیت یافته و در شرف تکامل و نهایی شدن است، پیشنهاد می‌شود یک سازوکار حمایتی استثنایی برای «ایده در حال توسعه» طراحی و تدوین شود. این رویکرد که به مثابه استثنایی بر اصل حمایت از بیان عمل می‌کند، مستلزم اعمال ملاحظات زیر است تا از تسری بی‌رویه حمایت و کاهش انگیزه برای تکمیل نوآوری جلوگیری شود.

۱. حمایت باید به طرح‌های اولیه‌ای محدود شود که از منظر فنی و کارشناسی، قابلیت پیاده‌سازی و اجرا داشته باشند تا صرفاً ایده‌های انتزاعی را دربرنگیرد. منظور از قابلیت پیاده‌سازی، وجود نسخه اولیه و غیرنهایی نوآوری به گونه‌ای است که نشان‌دهنده بخش غالب فرآورده نوآوری و امکان حتمی تکامل آن از منظر فنی باشد. در این راستا، احراز شرایط حمایتی باید فراتر از معیارهای معمول و مستلزم اثبات نوآوری متمایز، تلاش‌های ملموس برای توسعه ایده و ارائه یک برنامه تجاری‌سازی مدون باشد تا حمایت صرفاً شامل دارایی‌های فکری با پتانسیل اقتصادی و کاربردی شود. این مدل، در عین حفظ اصول بنیادین مالکیت فکری، نیازهای توسعه‌ای جامعه نوآور را پاسخ می‌دهد.

۲. برای ایجاد تعادل میان انحصار و جریان دانش، الزام به افشای جزئیات کافی برای بهره‌مندی از حمایت قانونی و تعیین مدت زمان محدود و قابل تمدید بر اساس پیشرفت‌های قابل اندازه‌گیری ضروری است. در ارتباط با حقوق مالکیت معنوی نیازمند ثبت، این امر بیش از هر چیز در گرو ایجاد یک سازوکار ثبت اعلانی موقت است. همچنین، در مراکز پژوهش‌های نوآورانه مانند دانشگاه‌ها و پارک‌های علم و فناوری، دفاتر مالکیت فکری دارای نقش واسطه‌ای بین مبتکرین و مراجع ثبتی هستند و باید ارزیابی و تأییدیه‌های مؤثر در این زمینه ارائه دهند تا موجب تسریع و تسهیل در ثبت شود.

شایان توجه اینکه، نباید ارزیابی در زمینه ایده در حال توسعه را به دادگاه‌های عمومی محول کرد؛ زیرا بر مبنای طول دوره حمایت، این امر حشو و عبث می‌نماید و در نهایت، روند ارزیابی خود بیش از دوره حمایتی مورد نظر به طول می‌انجامد. این چنین باید حتی المقدور از ارزیابی و تأییدیه مراجع فنی و نوآورانه بهره برد و در سایر موارد، ارزیابی را موکول به بررسی مراجع ثبتی

مالکیت معنوی دانست. در اینجا نقش دادگاه مشابه روند ثبت مصادیق مالکیت صنعتی در رسیدگی به اعتراضات مراجع مذکور و متقاضی ثبت است.

۳. حمایت باید در سطحی نازل‌تر از اموال فکری موجود و به شکل موقت و خاص در قالب‌های موجود مالکیت فکری باشد. در این زمینه در عوض ایجاد یک نهاد حقوقی کاملاً جدید، پیشنهاد می‌شود با اتخاذ یک تلقی واقع‌بینانه، از ظرفیت‌های حمایتی موجود در قالب‌های رایج مالکیت فکری (اختراع، آثار ادبی و هنری و طرح‌های صنعتی) برای اعطای سطح نازل‌تر حمایت به ایده در حال توسعه بهره گرفته شود. این حمایت باید دارای دو مؤلفه کلیدی باشد؛ موقت بودن و خاص بودن. موقت بودن در اینجا به معنای تعیین یک دوره زمانی بسیار کوتاه و انتقالی است که متناسب با طول دوره نوآوری در هر حوزه (با لحاظ سطح پیچیدگی نوآوری و به تبع، طول دوره نوآوری و ارزیابی آن، در حوزه آثار نرم‌افزاری کوتاه‌ترین دوره حمایت، در حوزه آثار ادبی و هنری، علائم و نام‌های تجاری دوره حمایتی با مدت طولانی‌تر و میانه و در نهایت، در حوزه اختراعات که پیچیده‌ترین و طولانی‌ترین طول دوره نوآوری را دارند، با دوره حمایت بیشتر) باشد و هدف آن صرفاً حفظ حقوق نوآورانه تا زمان تکامل نهایی است. خاص بودن نیز به معنای محدودسازی قلمرو حقوق اعطایی است؛ به نحوی که حقوق معنوی به‌طور کامل تعلق گیرد، اما حقوق مادی به حقوق سلبی (منع بهره‌برداری غیرمجاز توسط اشخاص ثالث) و حق تقدم برای ثبت نهایی نوآوری و در موارد استثنایی که امکان بهره‌برداری موقت از ایده در حال توسعه از منظر فنی و قانونی مقدور باشد منافع مادی ناشی از آن محدود شود. این رویکرد ضمن پرهیز از مقابله با ساختار کنونی نظام حقوق مالکیت فکری، سازوکار حمایتی ضروری و متناسب را برای دارایی‌های فکری در شرف تکامل فراهم می‌آورد.

منابع

- (۱) قرآن کریم.
- (۲) آذرنوش، آذرتاش (۱۳۹۱). فرهنگ معاصر عربی-فارسی. چاپ ۱۶، تهران: نشر نی.
- (۳) اشراقی آرانی، مجتبی (۱۴۰۰). حقوق تجارت نوین قراردادهای تجاری. تهران: دانشگاه تهران.
- (۴) امیدی فرد، عبدالله و پیلهور، مرضیه (۱۳۹۶). بررسی فقهی قاعده ارشاد جاهل. مجله پژوهش‌های فقهی، ۱۳ (۳)، صص. ۴۸۵-۵۲۱.
- (۵) انصاری، باقر (۱۳۸۶). شرایط اثر قابل حمایت در نظام مالکیت‌های ادبی و هنری (کپی‌رایت). مجله تحقیقات حقوقی، ۴۵، صص. ۹۷-۱۵۲.
- (۶) انصاری، باقر (۱۴۰۱). حمایت از اسرار تجاری در برابر افشای غیرمجاز. پژوهش حقوق خصوصی، ۴۱، صص. ۴۲-۸۲.
- (۷) ایروانی مهاجری، فاطمه‌السادات (۱۴۰۰). حقوق مالکیت فکری و تجاری‌سازی. تهران: مجد
- (۸) باریکلو، علیرضا (۱۳۹۹). اموال و حقوق مالی. تهران: سمت.
- (۹) تقی‌زاده، محمد، آقازاده، سهراب، غفوریان، کامیار، صفردوست، عطیه و اوجانی، مهدی (۱۳۹۵). بررسی چالش‌های قانونی و حقوقی مالکیت فکری در تجاری‌سازی محصولات زیست‌فناوری. رشد فناوری، ۱۲ (۴۷)، صص. ۲۱-۲۸.
- (۱۰) حبیبیا، سعید و معلی، مهدی (۱۳۹۴). حمایت حقوقی از نوآوری‌های زیست‌فناوری. چاپ ۱، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- (۱۱) حکمت‌نیا، محمود (۱۳۸۷). مبانی مالکیت فکری. تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- (۱۲) راغب اصفهانی، حسین‌بن محمد (۱۴۱۲ق). مفردات الفاظ القرآن. بیروت: دارالشامیه.
- (۱۳) رهبری، ابراهیم (۱۳۸۸). حقوق اسرار تجاری. تهران: سمت.
- (۱۴) رهبری، ابراهیم و حسینی سنگانی، وحید (۱۳۹۸). حقوق رقابت در عرصه مالکیت‌های فکری (جلد ۱). تهران: سمت.
- (۱۵) زاهدی، مهدی و نظام‌الملکی، جعفر (۱۳۹۰). قابلیت حمایت از ابداعات مهندسی ژنتیک در نظام حقوق مالکیت فکری. فصلنامه حقوق پزشکی، ۱۸، صص. ۱۵۵-۱۹۰.
- (۱۶) زرکلام، ستار (۱۳۸۷). حقوق مالکیت ادبی و هنری. تهران: سمت.
- (۱۷) ساندرز، کورت م (۱۴۰۱). مالکیت فکری و حقوق ایده‌ها (حمید قنبری، مترجم). تهران: پژوهشکده حقوقی شهر دانش.

- ۱۸) سیمایی صراف، حسین و حمداللهی، عاصف (۱۳۹۴). مفهوم رقابت نامشروع تجاری و مقایسه آن با نهادهای مرتبط. پژوهش حقوق خصوصی، ۳ (۱۱)، صص. ۳۷-۶۹.
- ۱۹) شبیری زنجانی، سیدحسن (۱۳۸۷). مبانی نظری و فقهی حقوق مالکیت فکری (رساله دکتری). دانشگاه تهران.
- ۲۰) شریف‌زاده، ابوالقاسم (۱۳۹۰). ضرورت‌ها و سازوکارهای مدیریت مالکیت فکری در فرایند تجاری‌سازی تحقیقات دانشگاهی. اطلاعات سیاسی-اقتصادی، ۲۸۵، صص. ۲۸۶-۳۰۳.
- ۲۱) شیخی، مریم (۱۳۹۴). اصول حقوق مالکیت فکری. تهران: میزان.
- ۲۲) طوسی، محمدبن حسن (۱۳۸۹ق). التبیان فی تفسیر القرآن (جلد ۱). بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- ۲۳) عمید، حسن (۱۳۶۳). فرهنگ فارسی عمید. تهران: امیرکبیر.
- ۲۴) قبولی درافشان، سیدمحمدهادی و بختیاروند، مصطفی (۱۴۰۰). مقدمه‌ای بر حقوق مالکیت فکری همراه با ترجمه قانون حمایت مالکیت فکری مصر. تهران: میزان.
- ۲۵) کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۴). دوره مقدماتی حقوق مدنی؛ اموال و مالکیت. چاپ ۹، تهران: میزان.
- ۲۶) محسنی، سعید و قبولی درافشان، سیدمحمد مهدی (۱۳۹۵). بررسی حمایت حقوقی از ایده (مطالعه تطبیقی در نظام‌های حقوقی ایران و فرانسه). مطالعات حقوق خصوصی، ۴۶ (۱)، صص. ۱۱۷-۱۳۷.
- ۲۷) میرحسینی، سیدحسن (۱۳۹۱). فرهنگ حقوق مالکیت معنوی (جلدهای ۱ و ۲). چاپ ۲، تهران: میزان.
- ۲۸) میرشکاری، عباس (۱۳۹۹). مبانی حمایت حقوقی از شهرت. مطالعات حقوق تطبیقی، ۱۱ (۱)، صص. ۳۶۱-۳۳۹.
- ۲۹) میرشمسی، محمدهادی، جلاییان دهقانی، حسام و تیموری، علیرضا (۱۳۹۳). ایده و حمایت از آن در حقوق مالکیت فکری. حقوق اسلامی، ۱۱ (۴۰)، صص. ۷۱-۱۰۴.
- ۳۰) میرشمسی، محمدهادی، جلاییان دهقانی، حسام و تیموری، علیرضا (۱۴۰۳). حمایت از ایده در حقوق مالکیت فکری؛ چالش‌ها و ضرورت‌ها. حقوق فناوری‌های نوین، ۵ (۱۰)، صص. ۱-۱۸.
- ۳۱) نظام‌الملکی، جعفر (۱۳۹۷). حمایت حقوقی از نوآوری‌های زیست‌فناوری بر اساس نظریه متن باز با تأکید بر حقوق ایران (رساله دکتری). دانشگاه قم.
- ۳۲) نظام‌الملکی، جعفر و شبیری زنجانی، سیدحسن (۱۴۰۰). بررسی مقایسه‌ای وضعیت رویکرد حقوقی متن باز و نظام حقوق مالکیت فکری در تحقق قواعد فقهی نشر علم. حقوق اسلامی، ۱۸ (۶۸)، صص. ۱۵۱-۱۸۸.
- ۳۳) ورام، مسعودبن عیسی (بی‌تا). تنبیه‌الخواطر و نزهة‌النواظر (المعروف بمجموعه ورام) (جلد ۲). بیروت:

۳۴) یداللهی فارسی، جهانگیر و کلاتهای، زهرا (۱۳۹۱). سازوکارهای بهره‌برداری از فناوری در حوزه زیست‌فناوری. فصلنامه تخصصی پارک‌ها و مراکز رشد، ۸ (۳۱)، صص. ۶۲-۷۰.

- 35) Almeling, D. S. (2012). Seven reasons why trade secrets are increasingly important. *Berkeley Technology Law Journal*, 27(2), 1091-1117.
- 36) Benditt, T. M. (1973). The public interest. *Philosophy & Public Affairs*, 2(3), 291-311.
- 37) Bentham, J. (1960). A fragment on government and an introduction to the principles of morals and legislation (W. Harrison, Ed.). Oxford University Press.
- 38) Boden, M. A. (2004). *The creative mind: Myths and mechanisms* (2nd ed.). Routledge.
- 39) Breakey, H. (2010). Natural intellectual property rights and the public domain. *The Modern Law Review*, 73(2), 208-239.
- 40) Colombet, C. (1976). *Propriété littéraire et artistique*. Dalloz.
- 41) Desbois, H. (1966). *Le droit d'auteur* (2e éd.). Dalloz.
- 42) François, X. (2000). *Droit commercial*. Paris: Montchrestien.
- 43) Ghabooli Dorafshan, S. M. H., & Fateminia (Bakhtiarvand), M. (2025). Trade secrets definition in the new Iranian Act on Industrial Property with a comparison to American law and the TRIPS agreement. *Iranian Journal of International and Comparative Law*, 3(2).
<https://doi.org/10.22091/ijicl.2025.13031.1160>
- 44) Goorha, P., & Potts, J. (2019). *Creativity and innovation: A new theory of ideas*. Palgrave Macmillan.
- 45) Gordon, Wendy J. (1993). A property right in self-expression: Equality and individualism in the natural law of intellectual property. *Yale Law Journal*, 102, 1533-1547.
- 46) Lemley, M. A. (2008). The surprising virtues of treating trade secrets as IP rights. *Stanford Law Review*, 61(2), 311-353.
- 47) Lopez Galdos, M. (2016). Antitrust policy tools & IP rights: U.S., transatlantic & international effects. *Chicago-Kent Journal of Intellectual Property*, 15, 1-35.
- 48) Norman, H. (2014). *Intellectual property law directions*. Oxford University Press.
- 49) Pollaud-Dulian, F. (2005). *Le droit d'auteur*. Economica.
- 50) Rousseau, J.-J. (1967). The social contract and discourse on the origin of inequality (L. G. Crocker, Ed.). New American Library.
- 51) Sandler, R. B. (2009). Ideas not copyrightable.
<http://www.rbs2.com/cidea.pdf>
- 52) Vaver, David. (1990). Intellectual property today: Of myths and paradoxes. *Canadian Bar Review*, 69(1), 98-128.
- 53) Wagret, F., & Wagret, J. M. (2001). *Brevets d'invention, marques et propriété industrielle*. Presses Universitaires de France (P.U.F).

- 54) World Intellectual Property Organization. (2004). WIPO intellectual property handbook. WIPO Publication.



References

- 1) The Holy Quran.
- 2) Almeling, D. S. (2012). Seven reasons why trade secrets are increasingly important. *Berkeley Technology Law Journal*, 27(2), 1091-1117.
- 3) Amid, Hassan (1363 SH/1984). *Farhang-e farsi-ye 'Amid* [Amid Persian Dictionary]. Tehran: Amirkabir [in Persian].
- 4) Ansari, Bagher (1386 SH/2007). *Sharayet-e asar-e qabel-e hemayat dar nezam-e malkiyyatha-ye adabi va honari (kopi rayt)* [Conditions of Protectable Work in the Literary and Artistic Property System (Copyright)]. *Majalleh-ye Tahghighat-e Hoghooghi* [Journal of Legal Research], 45, pp. 97-152 [in Persian].
- 5) Ansari, Bagher (1401 SH/2022). *Hemayat az asrar-e tejari dar barabar-e efsha-ye ghayr-e mojaz* [Protection of Trade Secrets Against Unauthorized Disclosure]. *Pajuhesh-e Hoghoogh-e Khosoosi* [Private Law Research], 41, pp. 42-82 [in Persian].
- 6) Azarnoosh, Azartash (1391 SH/2012). *Farhang-e mo'asar-e 'arabi-farsi* [Contemporary Arabic-Persian Dictionary] (16th ed.). Tehran: Ney Publishing [in Persian].
- 7) Barikloo, Alireza (1399 SH/2020). *Amval va hoquq-e mali* [Properties and Financial Rights]. Tehran: SAMT [in Persian].
- 8) Benditt, T. M. (1973). The public interest. *Philosophy & Public Affairs*, 2(3), 291-311.
- 9) Bentham, J. (1960). *A fragment on government and an introduction to the principles of morals and legislation* (W. Harrison, Ed.). Oxford University Press.
- 10) Boden, M. A. (2004). *The creative mind: Myths and mechanisms* (2nd ed.). Routledge.
- 11) Breakey, H. (2010). Natural intellectual property rights and the public domain. *The Modern Law Review*, 73(2), 208-239.
- 12) Colombet, C. (1976). *Propriété littéraire et artistique*. Dalloz.
- 13) Desbois, H. (1966). *Le droit d'auteur* (2e éd.). Dalloz.
- 14) Eshraghi Arani, Mojtaba (1400 SH/2021). *Hoquq-e tejarat-e novin-e qarardadha-ye tejari* [Modern Commercial Law of Commercial Contracts]. Tehran: University of Tehran [in Persian].
- 15) François, X. (2000). *Droit commercial*. Paris: Montchrestien.
- 16) Ghabooli Dorafshan, S. M. H., & Fateminia (Bakhtiarvand), M. (2025). Trade secrets definition in the new Iranian Act on Industrial Property with a comparison to American law and the TRIPS agreement. *Iranian Journal of International and Comparative Law*, 3(2).
<https://doi.org/10.22091/ijicl.2025.13031.1160>
- 17) Ghabouli Dorafshan, Seyyed Mohammad Hadi & Bakhtiarvand, Mostafa (1400 SH/2021). *Moqaddameh-i bar hoquq-e malkiyyat-e fekri hamrah ba tarjomeh-ye qanun-e hemayat-e malkiyyat-e fekri-ye mesr* [An Introduction to Intellectual Property Law along with the Translation of Egypt's Intellectual Property Protection Law]. Tehran: Mizan [in Persian].

- 18) Goorha, P., & Potts, J. (2019). Creativity and innovation: A new theory of ideas. Palgrave Macmillan.
- 19) Gordon, Wendy J. (1993). A property right in self-expression: Equality and individualism in the natural law of intellectual property. *Yale Law Journal*, 102, 1533-1547.
- 20) Habiba, Saeed & Moalla, Mehdi (1394 SH/2015). Hemayat-e hoquqi az no-avariha-ye zist-fannavari [Legal Protection of Biotechnological Innovations] (1st ed.). Tehran: SAMT [in Persian].
- 21) Hekmatnia, Mahmoud (1387 SH/2008). Mabani-ye malkiyyat-e fekri [Fundamentals of Intellectual Property]. Tehran: Research Institute for Islamic Culture and Thought Publishing Organization [in Persian].
- 22) Irvani Mohajeri, Fatemeh Sadat (1400 SH/2021). Hoquq-e malkiyyat-e fekri va tejarisazi [Intellectual Property Rights and Commercialization]. Tehran: Majd [in Persian].
- 23) Katouzian, Nasser (1384 SH/2005). Dowreh-ye moqaddamati-ye hoquq-e madani; amval va malkiyyat [Introductory Course of Civil Law; Properties and Ownership] (9th ed.). Tehran: Mizan [in Persian].
- 24) Lemley, M. A. (2008). The surprising virtues of treating trade secrets as IP rights. *Stanford Law Review*, 61(2), 311-353.
- 25) Lopez Galdos, M. (2016). Antitrust policy tools & IP rights: U.S., transatlantic & international effects. *Chicago-Kent Journal of Intellectual Property*, 15, 1-35.
- 26) Mirhosseini, Seyyed Hassan (1391 SH/2012). Farhang-e hoquq-e malkiyyat-e ma'navi (jeldha-ye 1 va 2) [Dictionary of Intellectual Property Law (Vols. 1 & 2)] (2nd ed.). Tehran: Mizan [in Persian].
- 27) Mirshamsi, Mohammad Hadi, Jalaiean Dehghani, Hesam & Teymouri, Alireza (1393 SH/2014). Ideh va hemayat az an dar hoquq-e malkiyyat-e fekri [Idea and its Protection in Intellectual Property Law]. *Hoghoogh-e Eslami [Islamic Law]*, 11(40), pp. 71-104 [in Persian].
- 28) Mirshamsi, Mohammad Hadi, Jalaiean Dehghani, Hesam & Teymouri, Alireza (1403 SH/2024). Hemayat az ideh dar hoquq-e malkiyyat-e fekri; chalesha va zaruratha [Protection of Idea in Intellectual Property Law; Challenges and Necessities]. *Hoghoogh-e Fanavari-ha-ye Novin [Modern Technologies Law]*, 5(10), pp. 1-18 [in Persian].
- 29) Mirshekari, Abbas (1399 SH/2020). Mabani-ye hemayat-e hoquqi az shohrat [Foundations of Legal Protection of Reputation]. *Motaleat-e Hoghoogh-e Tatbighi [Comparative Law Studies]*, 11(1), pp. 339-361 [in Persian].
- 30) Mohseni, Saeed & Ghabouli Dorafshan, Seyyed Mohammad Mehdi (1395 SH/2016). Barrasi-ye hemayat-e hoquqi az ideh (motale'eh-ye tatbighi dar nezamha-ye hoquqi-ye iran va faranseh) [Review of Legal Protection of Idea (Comparative Study in the Legal Systems of Iran and France)]. *Motaleat-e Hoghoogh-e Khosoosi [Private Law Studies]*, 46(1), pp. 117-137 [in Persian].

- 31) Nezamolmolki, Jafar & Shobeiri Zanjani, Seyyed Hassan (1400 SH/2021). Barrasi-ye moqayesa-i-ye vaz'iyat-e ruy-kard-e hoquqi-ye matn-e baz va nezam-e hoquq-e malkiyyat-e fekri dar tahaqqoq-e qava'ed-e feqhi-ye nashr-e 'elm [Comparative Review of the Situation of Open Source Legal Approach and Intellectual Property Rights System in the Realization of Jurisprudential Rules of Science Dissemination]. Hoghoogh-e Eslami [Islamic Law], 18(68), pp. 151-188 [in Persian].
- 32) Nezamolmolki, Jafar (1397 SH/2018). Hemayat-e hoquqi az no-avariha-ye zist-fannavari bar اساس-e nazariyyeh-ye matn-e baz ba ta'kid bar hoquq-e iran [Legal Protection of Biotechnological Innovations Based on Open Source Theory with Emphasis on Iranian Law] (Doctoral dissertation). Qom University, Qom [in Persian].
- 33) Norman, H. (2014). Intellectual property law directions. Oxford University Press.
- 34) Omidi Fard, Abdollah & Pilehvar, Marzieh (1396 SH/2017). Barrasi-ye feqhi-ye qa'edah-ye ershad-e jahel [Jurisprudential Review of the Rule of Guiding the Ignorant]. Majalleh-ye Pajuhesh-ha-ye Feqhi [Journal of Jurisprudential Research], 13(3), pp. 485-521 [in Persian].
- 35) Pollaud-Dulian, F. (2005). Le droit d'auteur. Economica.
- 36) Ragheb Esfahani, Hossein ibn Mohammad (1412 AH/1991). Mofradat alfaz al-Qor'an. Beirut: Dar al-Shamiya [in Arabic].
- 37) Rahbari, Ebrahim & Hasani Sangani, Vahid (1398 SH/2019). Hoquq-e reqabat dar 'arseh-ye malkiyyatha-ye fekri (jeld-e 1) [Competition Law in the Field of Intellectual Properties (Vol. 1)]. Tehran: SAMT [in Persian].
- 38) Rahbari, Ebrahim (1388 SH/2009). Hoquq-e asrar-e tejari [Law of Trade Secrets]. Tehran: SAMT [in Persian].
- 39) Rousseau, J.-J. (1967). The social contract and discourse on the origin of inequality (L. G. Crocker, Ed.). New American Library.
- 40) Saunders, Kurt M. (1401 SH/2022). Malkiyyat-e fekri va hoquq-e ideha [Intellectual Property and the Law of Ideas] (H. Ghanbari, Trans.). Tehran: Shahredanesh Legal Research Institute [in Persian].
- 41) Sharifzadeh, Abolghasem (1390 SH/2011). Zaruratha va sazokarha-ye modiriyyat-e malkiyyat-e fekri dar farayand-e tejarisazi-ye tahqiqat-e daneshgahi [Necessities and Mechanisms of Intellectual Property Management in the Commercialization Process of University Research]. Ettelaat-e Siyasi-Eghtesadi [Political-Economic Information], 285, pp. 286-303 [in Persian].
- 42) Sheikhi, Maryam (1394 SH/2015). Osul-e hoquq-e malkiyyat-e fekri [Principles of Intellectual Property Law]. Tehran: Mizan [in Persian].
- 43) Shobeiri Zanjani, Seyyed Hassan (1387 SH/2008). Mabani-ye nazari va feqhi-ye hoquq-e malkiyyat-e fekri [Theoretical and Jurisprudential Foundations of Intellectual Property Law] (Doctoral dissertation). University of Tehran, Tehran [in Persian].

- 44) Simaei Sarraf, Hossein & Hamdollahi, Asef (1394 SH/2015). Mafhum-e reqabat-e na-mashru'-e tejari va moqayeseh-ye an ba nahadha-ye mortabet [The Concept of Unfair Commercial Competition and Its Comparison with Related Institutions]. Pajuhesh-e Hoghoogh-e Khosoosi [Private Law Research], 3(11), pp. 37-69 [in Persian].
- 45) Standler, R. B. (2009). Ideas not copyrightable. <http://www.rbs2.com/cidea.pdf>
- 46) Taghizadeh, Mohammad, Aghazadeh, Sohrab, Ghafourian, Kamyar, Safardoust, Atieh & Oujani, Mehdi (1395 SH/2016). Barrasi-ye chalesha-ye qanuni va hoquqi-ye malkiyyat-e fekri dar tejarisazi-ye mahsulat-e zist-fannavari [Review of Legal and Juridical Challenges of Intellectual Property in the Commercialization of Biotechnology Products]. Roshd-e Fanavari [Technology Incubator], 12(47), pp. 21-28 [in Persian].
- 47) Tusi, Mohammad ibn Hassan (1389 AH/1969). Al-Tebyan fi tafsir al-Qor'an (Vol. 1). Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi [in Arabic].
- 48) Vaver, David. (1990). Intellectual property today: Of myths and paradoxes. Canadian Bar Review, 69(1), 98-128.
- 49) Wagret, F., & Wagret, J. M. (2001). Brevets d'invention, marques et propriété industrielle. Presses Universitaires de France (P.U.F).
- 50) Warram, Masoud ibn Isa (n.d.). Tanbih al-khawater va nozhat al-nawazer (al-ma'ruf be-majmu'at Warram) (Vol. 2). Beirut: Al-Maktaba Al-Haydariya [in Arabic].
- 51) World Intellectual Property Organization. (2004). WIPO intellectual property handbook. WIPO Publication.
- 52) Yadollahi Farsi, Jahangir & Kalathaei, Zahra (1391 SH/2012). Sazokarha-ye bahreh-bardari az fannavari dar howzeh-ye zist-fannavari [Mechanisms of Technology Exploitation in the Field of Biotechnology]. Faslnameh-ye Takhasosi-e Park-ha va Marakez-e Roshd [Specialized Quarterly of Parks and Incubators], 8(31), pp. 62-70 [in Persian].
- 53) Zahedi, Mehdi & Nezamolmolki, Jafar (1390 SH/2011). Qabiliyyat-e hemayat az ebda'at-e mohandasi-ye zhenetik dar nezam-e hoquq-e malkiyyat-e fekri [Protectability of Genetic Engineering Inventions in the Intellectual Property Rights System]. Faslnameh-ye Hoghoogh-e Pezeshki [Medical Law Journal], 18, pp. 155-190 [in Persian].
- 54) Zarkalam, Sattar (1387 SH/2008). Hoquq-e malkiyyat-e adabi va honari [Literary and Artistic Property Law]. Tehran: SAMT [in Persian].



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی